

درد وطن به داروی اخلاق به شود

کتاب

احکام اخلاق

برای محصلات سال سوم مدارس

متوسطه نسوان

مطابق پروگرام و تصویب وزارت جلیله معارف

«تالیف»

(امیر الملوک بامداد)

معلمه اخلاق و معرفت، انفس و تدبیر منزل

دارالمعلمات مرکزی

(حق طبع و نقلید محفوظ)

تهران شهریور ۱۳۱۲

کلمه نسخ امضاً با مهر مؤلفه را دارا خواهد بود

کتاب طبابخی

شرکت مطبوعات بهانه داران و طبابخان با سلیقه

مژده میدهد که کتاب طبابخی تألیف خانم بدر الملوك بامداد

از طبع خارج شده این کتاب حاوی دستور های عملی بسیار

خوب طبخ ایرانی و فرنگی و ترکی که علاوه بر طبخ خوراك

شیرینی، مربا، ترشی، بستنی، شربت و نگاهداری اقسام آذوقه

و طریقه میز چینی و خدمات سر سفره بطور مشروح و مفصل

و چیدن هر يك از غذا ها در ظرف و موقع حاضر شدن هر

يك از خوراكها در سفره های فرنگی و شناختن و انتخاب مواد

غذا و الاخره پاك کردن ظروف و میز و مطبخ را منظم است

برای خریدن آن

بشرکت مطبوعات

و اغلب کتابخانه های مرکز و ولایات رجوع کنید



کتاب

انکشاف

موافق پروگرام و تصویب وزارت جلیله معارف
مخصوص سال سوم مدارس متوسطه نسران

تألیف

(بدرالملوک بامداد)

معلمه اخلاق و معرفت النفس و تدبیر منزل دارالمعلمات مرکزی

حق طبع و تقلید محفوظ

چاپ دوم

۱۳۱۲

کلیه نسخ امضاء یا مهر مؤلفه را دارا میباشد

طهران مطبعة دانش ناصریه

مقدمه طبع اول

درد وطن بداروی اخلاق به شود !!

ایرانیان قدیم بصحت اخلاق مشهور آفاق بودند مخصوصاً راستگویی آنان ضرب المثل دنیا بود انقلابات جهان با تمام قوا بطرف ایران حمله نمود کمتر مرز و بومی در عالم مانند وطن ما از هر حیث زیر و زیر گشته است یقیناً غلبه و استیلای اقوام مهاجم هر يك تأثیری جدا گانه در رفتار و کردار نیاکان ما نمود اما آن سنجیه طبیعی که در نهاد ایرانی سرشته شده تحت فعل و انفعال عارضی واقع نشد البته سنجایای ملی دوره ساسان را نمیتوان با اوضاع روحی ایرانیان عصر مغول مقایسه نمود دولی در همان زمان هم روح ایرانی مغلوب نبوده و مکارم اخلاق وی محفوظ مانده بود زیرا بزودی با همان قوه اخلاق بر زیر دست فایق آمده اورا در خود مستهلك ساخت در سنوات اخیره يك سلسله حوادث سیاسی مجدداً اوضاع زندگانی ما ایرانیان را تغییر داده و بحران عظیم اخلاقی در مملکت حادث گردید ارتباط اقطار بعیده عالم با ایران - مجاورت و آمد و شد با اروپائیان - تغییرات مهمه در ممالك همسایه باعث شده که حالات روحی و اخلاقی توده بوضع دیگری جلوه گر شده و بدون استعداد بسمت زندگانی تازه چهار اسبه تاخت و تاز نماید علاقه - مندان با اصلاحات عمومی بوخامت اوضاع پی برده و متفقانه عقیده مندند

که جز بوسیله تہذیب اخلاق و ایجاد انقلاب ادبی نمیتوان پیکر ناتوان ایران را معالجه نمود نظر بمقدمات فوق حس احتیاج عمومی این ذره ناچیز را وادار نمود که چندی قبل مجموعه بنام دفتر اخلاق تدوین نموده و بدوشیزکان وطن عزیز تقدیم نماید خوشبختانه این هدیه نالایق ماقبول انظار دانشمندان و اصلاح خواہان واقع گردید بقسمی کہ نگارنده خود را غریق احسان دانسته و در اثر تشویق استادان خویش بجمع آوری و نگارش بخش دوم از دفترچہ اخلاق مبادرت نمود و چون فرزندان ستوده فقط در دامان مادران با تربیت آزموده می شوند لذا شالوده این اساس نیز بیشتر بقسمت دوشیزگان پرداختہ است کہ شاید بہمت آن مادران آیندہ فرزندان توانا و برومندی برای ایران تہیہ گردد

مقدمه طبع دوم

هر که باخلاق نکو خو گرفت در دو جهان رتبه نیکو گرفت
انقراض دولت عظیم الشان یونان موقعی صورت گرفت که مملکات
فاضله و دستورهای نافعه ارسطو و افلاطون در آن سرزمین از کار افتاد
اگر پیغمبر اکرم و رسول مکرم جامع جمیع کمالات انسانی و اول
معلم دلم اخلاق نبود هرگز ممالك معظمه دنیا بدست مسلمانان فتح نمیشد
امروز و دیروز و هرروز این ناموس طبیعی در میان جمیع مال جاری
بوده و خواهد بود سیادت هر ملتی فقط موکول بحسن اخلاق افراد
آن جامعه است با این حال آیا کدام فریضه فرض تر از آنکه خیر
خواهان ایران و ایرانیان برای تزکیه و تهذیب اخلاق هموطنان خود
همت بگمارند نگارنده این اوراق مفتخر است که با کمال ناتوانی از
عهده يك وظیفه مهم اخلاقی برآمده دستورهای چندی جمع آوری نمود
و نخستین کتاب اخلاقی کلاسی را برای دختران تهیه کرد
آشکارا ترین نتیجه آن خدمت این بود که در مدت کمی تمام
نسخات طبع اول باتمام رسیده و کمینه را تشویق نمود تا در طبع دوم آن
اقدام نموده و حتی الامکان بر اکمال آن اهتمام ورزد شاید بخواست
خداوندی تدریجاً این نهال برومند درختی تنومند گردد

سرنوشت ما - حیثیت انسانی

قدرت لایزال خداوند دنیا را عرصه وسیع نمایشهای با شکوه و حرکات مختلفه موجودات و موالید طبیعت قرار داده که بعضی از آنها در سیر و حرکات خود بهیچوجه اختیار و دخالتی ندارند مثل گردش ستارگان و تموج دریاها و زیدن بادها تمام جمادات از این قبیل اند و گیاهان نیز با اختلافیکه در رشد و تغذیه با جمادات دارند معهذرا از حیث حرکات قشری در این ردیف محسوبند

همه هستند سرگردان چو پرگار پدید آورنده خود را طلبکار حیوانات نیز برای طلب روزی یا حفظ خود از آفات و صدمات حرکات محدودی نموده احساسات خوشی یا تألم بروز میدهند ولی اینها نیز متهور فطرت بهیمی بوده در برابر پیش آمدهای زندگانی از اتخاذ وسایل عاجز و بزودی درمانده و تسلیم میشوند

موجودی که حرکات خود را بخوبی اداره و منظم کرده و بتدریج مراتب کمال و ترقی را پیموده تا جائیکه بر طبیعت ظفر یافته خود را اشرف مخلوقات و در رأس سایر موجودات قرار داده انسان است

تفاوت انسان و حیوان - علم تشریح و معرفه الحیوان شباهت زیادی در ساختمان بدنی و تشکیل طبیعی انسان و بعضی از حیوانات

قائل است، حیوانات دارای حواس خمسہ و گاهی خیلی قوی و حیرت آور میباشند مثل باصرہ طیور و شامہ سگ، از نظام و ترتیب زندگانی ہم بی بهره نمانده اند مانند زنبور عسل که دسته های کارگر وظایف معلوم و معینی را انجام داده در ساختن لانه مثل اینکه علم هندسه و فن معماری بداند اسنادی بکار میبرند و برای حفظ عسل شیرین خود از دستبرد حیوانات درب ورود را طوری میسازند که عبور سایر حشرات از آن دشوار میباشد

زندگانی با جد و جهد مورچه عاقبت اندیشی و جنگجویی آن قابل ملاحظه است. طیور کوچک با متقارهای ظریف از گل یا پر و خاشاک لانه ساخته و ماده در پرورش جوجگان مساعدت و معاونت میکنند چنانچه لانه خود را از گل میسازد که خیلی شباهت به خانه های دهقانی دارد و گنجشک از پر و خاشاک آرامگاه خود را ترتیب میدهد با اینحال می بینیم از بدو خلقت تا کنون حیوانات در وضع زندگی و رفع احتیاجات خویش پیشرفتی نداشته بر معلومات و کارهای معین و محدود چیزی نیفزوده و توسعه نداده قرنهای گذشته و هنوز ساختمان لانه طیور بطرز اول است هرگز گنجشک نتوانسته در مقابل باد و طوفانی که تاروپود آشیانه او را از هم میکسند مانع و رادعی اختراع کند، اما انسان با طی زمان مدارج ترقی را یک یک صعود کرده با داشتن پرهمدوش پرندگان و با فقدان وسایل طبیعی شنا همسرمایان دریا گردید آنچه را باقوای طبیعی مقدور نشد با آلات مصنوعی انجام میدهد دورین و ذره بین حس باصره را تکمیل کرده تلنن و

صوت کمک نموده ماشین های بخار قوه و سرعت سیر را افزوده آلات
ناریه انسان را در میدان نبرد فاتح و منصور کرده است

حیوانات پیروی فطرت و عادات را نموده و بواسطه هوش خود
محسوسات اطراف را درك میکنند اما انسان خواهش های نفسانی را
تحت توجه و تفتیش در آورده بر احساساتش غلبه یافته آنها را هدایت و
تربیت میکنند و عادات بد را ترك کرده آنچه خوبست تمرین و
اخذ مینمایند چنانچه جمله كه سك برای ربودن قطعه گوشت میکند
نمیتوان شجاعت نامید زیرا كه بدون تفكر و تأمل اطاعت اشتها و میل
غریزی را نموده اما بشر بعد از فكر و اراده عمل میکند

حافظه و تخیلات حیوان منحصر بتأثرات حسی و مشاهدات است
در صورتیکه انسان چیزهائی را در پرده خیال مصور میکند که هرگز
مشاهده نکرده و غالباً اساس اختراع میشود

حیوانات حرف نمیزنند و بدون تکلم مشورت و تبادل افکار و پیدا
کردن عقاید صحیح ممکن نیست ، آنها فکر و قضاوت ندارند بنا بر
این معرفت بحال خود نیافته شخصیت ممتازی تشکیل نداده اند . انسان
باترکیب اصوات مختلفه شروع بحرف زدن نموده بامعاونت یکدیگر
سیادت و شرافت حاصل نموده است

این امتیاز و برتری بواسطه موهبت مخصوص الهی و خاصیت
عجیبی است که فهم و ادراك و ایجاد آرزو و آمال و رابطه بین فکر و
عمل و سبب جوئی و امتحان و استفاده از اشیاء و ابتکارات و اختراعات
همه نتایج آن است و آن را عقل مینامند :

آدمی را عقل باید در بدن ورنه جان در کالبد دارد همان
 عقل حرکات ما را اداره کرده احساساتمان را تربیت میکند
 کسانی که در حالت غضب و مستی یا جهالت حرکات بی اختیار و
 عاری از حزم و مال اندیشی میکنند غالباً میگوئیم «عقلش را گم کرده»
 این سخن مقرون بحقیقت است و کسی که اعمال نسنجیده میکند قطعاً
 از نفوذ و استیلای مربی خود دور و از ممیزی اعمالش خارج شده و گرنه
 عقل بی آزاری و اجتناب از کارهای زشت و خطرناک را تعلیم داده
 مسئولیت وجدانی در ما ایجاد میکند که در پناه آن تشکیل اجتماعات
 و نظامات امکان پذیر و مردم از رفتاری که مصلحت آسایش و آزادی دیگران
 است بنام ظلم و تعدی دوری میجویند

عقل چراغ پر نور است که هر کس در روشنائی آن جاده زندگانی
 را طی کند بیراهه نرفته و گمراهی و ضلالت و بدبختی سرنگون نمیشود و
 به پرتو آن در ظلمت قضایا فرو رفته نتایج مطلوبه را حاصل میکند محکمی
 است که حقیقت و مجاز خوبی و بدی را شناخته قدر و عیار هر چیز را
 مشخص مینماید تا فریب نخورده و زیان نبریم. معلمی است که تعلیمات
 مفیده و نصایح سودمندش همیشه باعث سرفرازیست

دانشمندان بزرگ که قاندين ترقی و عظمت عالماند با عقل افکار
 خود را تجربه و مقایسه و اثبات کرده قوانین عام المنفعه را وضع کرده اند
 و ما بخوبی احساس میکنیم که رابطه محکمی بین فکر و عمل موجود
 است فکر خوب موجب عمل خوب است

شرع اسلام رشد و بلوغ هر کس را همان رشد قوای عقلی او

قرار داده و اگر کسی در کسب سن بضعف عقل مبتلا شود محتاج ولی و قیم است و دخالت او در امور شخصی یا عمومی از درجه اعتبار ساقط میگردد

عقل سرچشمه تمام دارائی ما میباشد - خواجه عبدالله انصاری در مناجات خود میگوید: « الهی ! هر که ! هر که ! عقل دادی چه ندادی و آنکه را عقل ندادی چه دادی ؟ ! » زندگانی انسان را در اوایل خلقت با تمدن امروز سنجش و مقایسه کنیم اینهمه تفاوت فاحش و ترقیات نمایان حاکی از معجزات بی پایان عقل است که قوای مقتدر طبیعت : آب ، آتش ، الکتریسیته و هوا را با استخدام و اختیار بشر در آورده آنچه در کائنات مستور و مخفی بوده کشف و بمورد استفاده گذاشته علیهذا در مقابل آنهاییکه قدر این جوهر نفیس انسانی را دانسته و برای تکامل قوای مادی و معنوی بکار برده اند ما نمیتوانیم دعوی انسانیت کنیم و از حیوانات خود را برتر بشماریم مگر اینکه در همه کار از عقل خود استمداد کرده و این سرمایه بزرگی را که عاید ما شده و تمام ثروت و تمدن بشر منافع آنست بسهم خود باطل نذاریم ، تا تو از نفس بهیمی تهی برتر پای این محال است که از مرده انسان گردی (تاریخ معجم)

عقل با ورزش و تمرین نمومینماید - میدانیم که اعضای بدن و تمام احساسات طبیعی ما بواسطه ممارست و تمرین قوی تر و حساس تر میشود همینطور عقل هم با ورزش و بکار انداختن رشد کرده و بیدار می گردد

دیده تقاشان بمحض رؤیت اشیاء بدرك جزئیاتی قادر است که

دیگری با همان باصره صد يك آنرا مشاهده نمیکند

کور ها چون از حس بصر محرومند سامعه و لامسه را زیاد تر بکار برده بطور حیرت انگیزی آنها را ترتیب میکنند ، مردم عامی و نادان که بدقت و تفحص عادت نکرده اند حتی از مشاهده تصاویر واضح و اشیاء عادی غالباً چیزی نفهمیده و تشخیص نمیدهند همچنین خیلی اشخاص خود را در بکار بردن عقل نا قابل نشان داده بنده و مطیع هوی و هوس میشوند

کسب علم و تمرینات مدرسه خدمت مهمی که میکند آنست که

قوای عقلی را تقویت مینماید

از آنجائیکه بنای طبیعت انسان بر ترقی و غلبه است اگر یک نفر

یا يك قوم در جای خود مانده جلو نروند لگد کوب دسته های دیگری

که بسرعت در حرکتند خواهند شد و نظایر آنرا دائماً مشاهده کرده ایم

مملکت ما تا سر زمین فضلا و دانشمندان بوده ممالك سائره را با قوه

عقل و علم اداره میکرد همینکه مردم آن بخواب غفلت فرورفتند دیگران

همان معامله را با ما کردند

در پیش تو بمشعله داری همیرود عقلی که بر ممالك آفاق پادشاه است

کمال الدین

تکلیف : توضیح دهید که دروس مدرسه چگونه عقل را تقویت مینماید چه

جهت دارد که بعضی اشخاص کند فهم و دیر انتقالتند ؟

اراده

اراده ملکه همت و کوشش و اختیار نفس را ایجاد کرده مقاصد عاقلانه را از فکر بعمل میاورد عقل و اراده لازم و ملزوم یکدیگرند وجود یکی بدون دیگری منجر نمری نیست

و قتیکه تصور عملی در خاطر راه یافت افکار متضاد و مختلفی در اطراف آن عرض وجود میکنند که اراده قوی لازمست تا تردید و دودلی را مغلوب نموده اقدام و عمل ناشی گردد ولی اشخاص ضعیف الولاده مدتها در حالت تردید و بی تکلیفی دوچار کشمکش خیالات گردیده از کار باز میمانند

مثلاً برای شما گاهی اتفاق افتاده که موقع انجام وظایف مدرسه میل تفریح و بازی یا خواب چند لحظه فکر شما را در ادای تکلیف مغشوش نموده ولی یک مرتبه با عجله برخاسته مشغول کار می شوید همین طور زمانی که در حل مسائل و تمرینات مدرسه جدیت کرده از اصرار و تکرار خسته و کسل نمیشوید این جدیت غیر عادی از اراده خوب شما است و گسیکه معتاد بکارهای بدی از قبیل استعمال دخانیات و الکل و غیره شده همینکه ضرر آنرا حس نموده بدون اعتنا بکسالت یا هر پیش آمد مشکلی آنرا خاتمه داده ترك میکند صاحب اراده قویست

تکلیفی که در خاتمه هر مطلب نوشته شده باید شاگردان آنها را شفاهاً با کتباً توضیح داده بنظر معلم برسانند که برای تمرین و بکار انداختن فکر و قضاوت آنها مفید است

افکار و تصورات عالیه اشخاص سست اراده شباهت تامی بتصویر اشیاء و سکه های طلا و نقره در روی کاغذ دارد که جز بازیچه اطفال بکاری نمیخورد برای ترقی يك جامعه و ملت باید تحت تربیت صحیحی افراد با اراده بوجود آورد و الا اندرزها و تصورات مفید و عاقلانه چون پرده سینما در صفحات جراید و مجلات نمایش داده در میان تمجید و تحسین مردم از انظار محو شده کمترین اثری هم از آن باقی نمیماند در فرانسه بمحض استماع سرود ملی (مارسین) عموم مردم تحریک و تشویق بجنک و حفظ وطن شده بی اختیار دست از کار و شغل کشیده عازم نبرد میگردیدند ولی نباید گمان کرد که در مضامین سرود تأثیر عظیمی بوده بلکه در خون و عروق آن ملت سلجشور و وطن پرستی با اراده قوی حکمفرمائی میکرد و الا در اغلب ممالک اشعار مهیج بسیار سروده اند ولی در همه کس و همه جا کی اثر را میبخشد؟ اعمالیکه بدون تأمل بواسطه عادت و اطاعت یا خشم و شهوت صادر میشود مربوط باراده نیست و اشخاص عاقل از این حرکات باید خودداری نموده میل های فاسد و خیالاتیکه مردمان جاهل به انسان تزیق میکنند قبول نکرده بر اعصاب و عضلات خود حکومت نموده تاب مقاومت با خستگی و تبلی و وسوسه های شیطانی داشته باشند

قانون اخلاق و اراده - همانطور که قاضی بنام قوانین کشوری

اعمالیکه سزاوار تنبیه و مجازات یا تشویق و تقدیر است از یکدیگر تفکیک و مشخص میکند وجدان ما بمنزله قاضی است که بر حسب قانون اخلاق در حرکات ما قضاوت مینماید این قانون بواسطه عقل وضع گردیده

و تغییر پذیر نیست جز اینکه مثل سایر قوانین شرع و عرف بعضی اطاعت و برخی تخلف و تمرد میکنند و اراده در پیروی آن آزاد و معلم حرکات است و مسئولیت ما در اعمالمان از اینجا تولید میشود

آیا ما مسئول اعمالمان هستیم؟! ممکن است کسی مرتکب مجروح نمودن یا صدمه و ضرر دیگری شود حتی قتل نفس کند بدون اینکه مسئولیت وجدانی و اخلاقی متوجه او بشود این هنگامی است که قصد و نیت آنرا نداشته و بحسب اتفاق سرزده باشد بهمین جهت گناه کاریکه خطای او بواسطه تصادف و اتفاق ثابت شود مجازاتش تخفیف یافته یا بکلی تبرئه میشود و هرگاه جبران و خسارت مادی هم او تعلق بگیرد گناه اخلاقی ندارد

ما مسئول قصد و نیت خودمانیم - هرگاه اراده در جرم و خطائی دخالت کند مسئولیت مضاعف دارد مثلاً هرگاه شما کسی را هنگام عبور اتفاقاً بزمین افکنده مجروح کردید هرگز آنقدر مسئولیت ندارید که عمداً لباس کسی را پاره نموده یا سخن زشتی بگوئید و اگر خطا کاری خلاف خود را مخفی انجام دهد بطوریکه کسی مرتکب را نشناسد باین طریق از مجازات و توبیخ فرار نموده ولی مسئولیت باطنی باقی و نزد وجدان خود سر افکنده و خجل است حتی سوء قصدی نموده ولی بمقصد نائل نشویم مثل اینکه تیری بطرف کسی رها کرده و به هدف نرسد و برای آزار شخصی و سائلی فراهم نموده به نتیجه نرسد مسئولیت اخلاقی متوجه ما میگردد

اکنون که دانستیم اعمال بد هرگاه با قصد و نیت باشد

مسئولیت اخلاقی دارد بدیهی است افعال خوبهم وقتی سزاوار ارزش و ستایش است که بانیّت خوب بروز کنند و مبنی بر همین قاعده اخلاقی قبول عبادات در مذهب اسلام مشروط بقصد و نیت است مثل نیت روزه و نماز و وضو و غیره که هر گاه مثلاً بی اشتیائی یا نیافتن غذا يك روز سبب امساك کسی از خوردن بشود نمیتواند در شمار روزه محسوب دارد یا وجهی که از او مفقود شده خیرات و صدقه بشمارد

گاهی انسان عداوت اقدامی میکند که نتیجه معکوس میبخشد مسلم است که مستوجب تشکر و امتنان نیست

پس اراده در اعمال ما کمال اهمیت را دارد و نباید بکاری پرداخت مگر اینکه اراده نموده باشیم و اراده بامری نکنیم مگر با دقت و توجهیکه قبلاً در اطرّافش نموده موافق عقل و مطابق وظایف اخلاقی یافته باشیم همانطور که معمار ابتدا نقشه را روی کاغذ ترسیم و اصلاح کرده بعد مشغول ساختن میگردد.

خود شناسی

هر که خود را شناخت خدا را شناخت

انسان بواسطه میل طبیعی مایل است که در چگونگی زندگانی خود دخالت نموده از ماهیت و قوای خویش استفاده کند؛ این منظور وقتی عملی میشود که وضعیت بدنی و روحی و خصوصیات جبلّی و فطری را بدقت تجربه و مطالعه نموده صفات ممدوحه و مذمومه خود را بداند و عبارت ساده خود را بشناسد تا مالک و معلم نفس خود و صاحب رأی و

عقیده مستقل و قضاوت صحیح بشود .

بدیهی است که خیلی اشخاص دنیا آمده و از دنیا میروند بدون اینکه در صدد تفحص و تفتیش احوال خویش بر آیند و مانند ماشینی هستند که عادات جامعه در آنها نقش بسته یا صفحات گرامافونی که سخنان سایرین را نفهمیده انعکاس دهند در حقیقت بصورت آدمی و در سیرت طوطی میباشند ولی ما که طالب معنی حقیقی آدمیتیم نباید متابعت آنها را بکنیم

طبيب حاذق پيش از معالجه بیمار علل مزاجی و روحی مريض را پرسش نموده اعضاء و جوارع او را معاینه و امتحان میکند و با بصیرت کامل و تشخیص مرض بمعالجه میپردازد تا نتیجه خوش بدست آورده به ندامت منجر نگردد معلم اگر قوه و معلومات شاگرد را نداند بتعلیم و تربیت او بطور بخش موفق نمی شود هر کس شخصاً از تدقیق و تجربه حالات خویش بیش از هر قسم کتاب و نصیحت میتواند استفاده کرده و در اصلاح حال و ترقی خویش بهترین آموزگاران بامهارت بشود چنانچه حکماء بزرگ شاگردان مدرسه فکر و وجدان خویشند که با کمک عقل و اراده تعلیم و تربیت پذیرفته باعث امتیاز و افتخار خود مابین افراد مردم گردیده سایرین را خواهی نخواهی با سعی و همت بجاده ترقی و تعالی کشانیده اند و این لذت کمی نیست که در اثر مراقبت خودمان هر روز کاملتر و بهتر بشویم : حضرت علی (ع) میفرماید « دوائك فيك ولا تشعر ودائك منك ولا تنصر »

طریق موفقیت بان

بدواً خاطر نشان میکنیم که خودستائی بکلی مخالف خودشناسی است آنکه هر عیب خود را هنری می‌شمارد همچون ملاحی است که کشتی شکسته خود را بیهوده تعریف و تمجید نموده و به آب اندازد وقتی غرامت زده و پشیمان میشود که در اعماق دریا غوطه‌ور گردد

بدون تعارف و خوش آمد خود را آزمایش و ملاحظه کرده حالات روحی و جسمی و عاداتیکه بر ما تسلط دارد ضعف یا توانائی خویش را بسنجیم و در تمام اعمال خود دقت کنیم که بدستور عقل و خردمندی است یا بنده هوی و هوس و تابع حرکات دیگرانیم ، بدون ما قوی و متناسب کار و کوشش یا نحیف وضعیت و مستعد امراض است و هر يك از قوای ما که ضعیف است بفهمیم که علت آن چیست ، هوش و ذکاوت و استنباط و محاکمه ما چقدر است ؟ اگر کسی بما مذمت و ملامت کند بنظر بغض و کینه در او نگاه نکنیم شاید آنچه بما نسبت میدهند مطابق حقیقت است با این حال چرا خود را مقصر نشمرده و اصلاح نکنیم مازشتیم آینه چه گناهی دارد

هر گاه ما را تمجید و تحسین کنند مغرور نشویم بعضی اوقات ممکن است بهیچوجه سزاوار نبوده دام و فریبی گسترده باشند تا توقعاتی که دارند بر آورده شود

صفاتیکه بما ضرر میزند و آنهاییکه با فایده و نیک است بشناسیم و بالاخره ما میتوانیم خود را موجود آزاد و مسئول وجدان خود بدانیم

یاخیز؟ جواب آنها را با کمال صحت و صمیمیت تحصیل کرده شروع کنیم بحکومت بر خود

چگونه بخود حکومت کنیم؟ از معرفت بحال خویش منظور تسلط و احاطه بر اعمال و افکارمان میباشد تا عاداتیکه خار راه ترقی است از بوستان وجود گنده گلهای فضیلت و تقوی را رشد و نمودیم مزاج و بنیه خود را بشناسیم تا از ضعف و سستی اعصاب و عضلات جلوگیری کرده سالم و خوش بنیه بشویم صفات اخلاقی را بدانیم تا هر کدام بدو نامناسب است ترك کرده آنچه خوب و معقول است ترقی دهیم، افکار مانرا مراقبت نمائیم تا از آنچه مخالف شئون آدمیت است فكر نکنیم زیرا که فكر بد مقدمه عمل بد است

در هیچ مرام و مقصدی وارد نشویم مگر اینکه از پایه های فكر و مأل اندیشی يك يك صعود کرده و باین طریق اعضای ماتحت حکومت عقل و اراده اداره شده آزاد و مفتخر زندگی کنیم زیرا که قانون اجتماع و تمدن باشخاص نادان و بوالهوسیکه از جلوگیری نفس و فرمان دادن به اعضای خود عاجزند اجازه خود سری نداده در اختیار قیومیت غیر قرار میگیرند

اگر نمیخواهی محکوم کسی بشوی بر خودت حکومت کن
تکلیف - مالك و معلم خود بودن بعیر چه ؟

اناهدینا السبیل اماشا کراو اما کفوراً آیه کریمه (ماراه بدی و خوبی را بمردم نشان داده ایم و انتخاب آنرا بخودشان واگذارديم)

خوبی و بدی

طفل کوچکی که الف باراً نمی شناسد خوبی و بدی را حس کرده مثل روز و شب و سیاه و سفید و تلخ و شیرین با نهایت سهولت تشخیص داده هر کس باو خوبی کند او را دوست میدارد و از آنکه بدی کند متفکر و گریزان است

خوشبخت ترین اشخاص در عالم نیکان و نیکنامانند نه اشخاص متمول و عالی مقام چنانچه باثروت و مقام ارجمند دنیا آمدن ممکن است ولی خوب دنیا آمدن مقدور نیست و خوبی را خود شخص باید تحصیل کند اما در شناختن خوبی های واقعی لازمست فکر خود را دخالت داده اشتباه نکنیم

بنا بر عقیده دانشمندان خوبی فراهم کننده سعادت انسان است بدین معنی که بدی یا خوبی که از مردم بانسان میرسد همان است که از خود او شروع شده و بدوره گردش افتاده است برای امتحان میتوانیم بدعوی اشخاصیکه گمان میکنند بهر کس خوبی نموده در عوض بدی دیده اند رسیدگی و کنجکاوی نمائیم تا ثابت شود که غالباً بدیهای رفتار خود را مشاهده نکرده یا عمداً تجاهر میکنند ، از افسانههای لافتن است که زنبیل غذای سگ را صاحبش بر پشت خر حمل کرده بود و چون گرسنگی بر سگ غلبه نمود بنای التماس و تضرع را گذاشت که خر بخوابد و او سد جوع کند اما مؤثر نیفتاد و خر بر اجاجت افزوده مأیوسش نمود تا اینکه گرسنگی حمله کرده سگ هم موقع را مغتنم شمرد و

از محافظت خودداری کرده خر طعمه گرگ شد
میل خوبی اگر کنی همه جا خویش را سرفراز خواهی دید
و ر طریق بدی روی خود را پایمال نیاز خواهی دید
خوبی نقطه مقابل خود پرستی است و در مواقع مختلفه باسامی
مخصوصی نامیده میشود :

بطور اجمال خوبی آنست که مشی زندگانی را برمداری قرار
دهیم که پیوسته مسرت و رضایت دیگران را فراهم داشته اطفال یتیم
را بمنزله مادر و پدر درماندگانرا پناه و ملجاء غربا را میزبان مهربان
گمراهان را راهنمای عاقل و کوران را چشم و چلاقها را پا باشیم
ممکن است از خوبی که طبیعت در فطرت بعضیها متمکن نموده سبهره
باشیم مع هذا میتوانیم باتریت اراده بان مقام رسیده راه غلطیکه مردمان
متکبر و حریص پیموده آزار و تمشخر دیگرانرا سبب تقریح خویش
قرار داده خبر چینی نیرنگ و فریب را مدارج صعود بمرتبه بزرگی
و ثروت قرار داده اند تعقیب نکنیم وصول باین مقاصد عالیه در نتیجه
تعلیم و تربیت خواهد بود که خوشبختانه استعداد کسب معارف بطور
کاملی در نهاد بشر تکوین شده است

وظیفه دیگر ما این است که هر گز رشته های بدی را امتداد
نداده حتی الامکان دنباله آنرا قطع کنیم و بفرمایش خواجه کار بد
مصلحت آنستکه مطلق نکنیم یعنی بجای مقابله بمثل بدیرا به نیکی
پاداش داده طرف را خجل و پشیمان نمائیم لیکن نه بحدی که برتهور
و جسارت دشمن بیافزاید

چو تیر انداختی بر روی دشمن حذر کن کاندر آماجش نشستی
تکلیف: طریقه بحشیدن مهمتر از مقدار بخشش است. منظور چیست توضیح دهید
.....

حب بحقیقت

حقیقت یعنی آنچه که هست عاری از ستر و کتمان
بزرگترین خدمت هوش رفع اوهام باطله و کشف حقایق است
که علاوه بر فوائد کثیره بهترین وسیله تفریح و لذت است چنانچه اطفال
خرد سال را می بینید که بافریاد ذوق و شادی درك معما و کشف مستوری
را اعلام نموده بر هوش خود فخر و مباهات میکنند. حقیقت پرستی و
کنجکاویست که انسان را بر اسرار و خواص باطنی اشیاء آگاه
نموده تعمق و التفات به چیز های بی قدر و اتفاقات بی اهمیت سبب
اکتشافات و اختراعات مهم میگردد. گویند (ارشمیدس) معروف
در خزانه حمام از سبك شدن وزن خود بوزن مخصوص اجسام پی برد
(اسحق نیوتن) انگیزی در افتادن سیمی دقت نموده از قوه جاذبه زمین
آگاه گردید و (کریستف کلمب) برای یافتن راه تازه از اروپا بهند
و اثبات کرویت زمین مسافرت کرده عرض جدید را کشف نموده
علمی که تحصیل آن بر ما لازمست همان است که حقایق را واضح
کرده وجدان و فکر ما را برای تمیز و قضاوت مهیا نموده در کارها
بصیر و توانا کند دروسی که يك رشته مطالب غامضه و پیچیده را بحافظه
تحمیل کنند بار گرانست که حامل آن میل دارد ازدوش خود بزمین
گذارده فرار کنند و کمترین اثر و فایده هم در زندگانی نمیبخشد

اگر ما بخواهیم در تر از وی فکر خود قدر و قیمت حقیقت پرستی را وزن و سنجش کنیم بایستی تمام هستی عالم متمدن را در کفه مقابل آن بگذاریم

کنجکاوی

اگر دستم رسد بر چرخ گردون
از او پرسم که این چون است و آن چون
حسن کنجکاوی در بشر قدری وسیع و عمیق است که در اشیاء محیط خود بلکه فوق آن را نیز جستجو میکند چنانچه از گفتار فوق فهمیده میشود

تفحص و کاوش یکی از مزایای فطری انسان است و حالت طفل این دعوی را ثابت میکند که چون هر چیز کوچکی برای او مرموز و پوشیده است آنچه را بدست آورده و با آن مصادف شود از هم شکافته بدقت رسیدگی میکند، عروسک خود را پاره و متلاشی مینماید تا اندرونش را ملاحظه نماید و پیوسته سئوالات و پرسش بسیار از علت ایجاد و چگونگی هر شیئی نموده در دانستن آن اصرار میکند. این حسن اطفال سزاوار تشویق است و باید هر سئوالی را مغتنم شمرده به جوابی که مقرون بحقیقت و درخور فهم طفل است او را قانع کنند ارسطو فرماید «و قتی که حسن کنجکاوی در انسان ظاهر شد علم از آن متولد میشود» اما بعکس مادران و پدران بی تجربه با تغیر و تشدد بچه را فضول و پر حرف خوانده امر بسکوت و اطاعت محض کرده مقدمه

نادانی و بی حالی و گمراهی او را فراهم میکنند و زمانی دروغ و موهومات بهم بافته تصور میکنند بطفل نباید هر گز حقیقت امر را فهمانده و او را قابل درك مطالب صحیح دانست و بچه حوايکه با اشتیاق فراوان تحصیل نموده در خاطر خود محفوظ داشته مبتلای خرافات و اوهام میشود. بعضی اشخاص از زمان طفولیت خود نظیر این سخنان را بیاد داشته و میدانند که حرارت تجسس و کاوش آنها را چطور با ملامت و تهدید منجمد کرده یا دروغها و مهملانیه آنها آموخته اند که اثرات عمیق آن بر وجودشان استیلا دارد

در مدرسه تربیت این قسم شاگردان تولید زحمت برای معلمان میکنند مثل خیاطی که میخواهد لباس بد دوختی را شکافته تغییر شکل دهد و غالباً سعی او بهدر رفته نمیتواند لباس خوش برشی بعمل آورد. زیرا که بطلان عقاید واهی بسهولت ممکن نیست و آنهايکه بسکوت و پرسش نکردن معتادند فوق العاده مشکل است که بدرس استدلالی و سؤال کردن چیزی که نفهمیده اند واداشت: دروس را حفظ میکنند ولی بدانستن آن توجهی ندارند. چه بسیار کسانی که دوره های تحصیل را پیموده و تصدیق نامه در دست دارند و حال آنکه محیط فکر و ادراك آنها کوتاه است و از آنها هم رحمت تحصیلات بخود و دیگری فایده نرسانیده اند در نتیجه این تربیت غلط اشخاص ظاهریین و مقلد و مقلدین بوجود میاید و خود کرده را تدبیر نیست

ملل متمدنه سانواع و اقسام وسایل و مساعی حس کنجکاوای اطفال را رشد داده سوالات ساده بچه را جوابهای صحیح گفته با

حکایات و مثل های دلنشین میدان سخن را وسعت میدهند اطفالی که دیگران پیر حرفی و فضولی موصوف نموده و خوار میشمارند نزد اروپائیان گرامی و عزیزند مخصوصاً برای بچه ها تصاویر و قصه های كوچك و شیرین که دارای نکات مخفی و مرموز است طبع و نشر می کنند تا در کشف آنها جدیت نموده باین واسطه اطفال را تمرین داده ذوق و قریحه آنها را رشد میدهند و در مدرسه همیشه معلم دروس را طوری بیان میکند که بعضی مطالب نا گفته بماند تا شاگردان عادت بسؤال و پرسش کرده کسیکه مطلب را زودتر درك کرده مبادرت بسؤال نماید طرف تحسین و توجه واقع میشود . به بین تفاوت ره از کجا است تا یکجا ؟!

این مطلب هم نا گفته نماند که کنجکاوهای سالم و خوب با کنجکاوهای نا درست و خداناک تفاوت زیاد دارد کسانی که برای مزید بصیرت و اتخاذ مرام معین و اینکه افکار خود را هدایت نمایند عقاید و گفتار دیگران را از غربال قضاوت خویش میگذرانند و در اطراف هر امری که شئون اجتماعی و فردی بدان افزوده میشود تجسس میکنند صاحب کنجکاری سالمند ولی آنهائیکه از خبث طینت میخواهند با سرار مردم و حقایق امور واقف شده سخنان و عقاید دیگران را استماع کنند تا وسیله آزار و خبر چینی یا دزدی افکار را فراهم نمایند دارای کنجکاو بد و ناسالمند که ناشی از حب بحقیقت نیست بلکه خطای هوشهای نالایق است که میخواهند بدانند بدون اینکه زحمت بکشند و بمراتب بلند نام و مقام عالی صعود کنند بی آنکه لیاقت آن را داشته

باشند و دیگران را پست و حقیر کنند تا خودشان بزرگ جلوه کنند . بدبخت مملکتی که مردم آن دارای این قسم کنجکاو میباشند که دایم میدان مبارزه و نزاع و مخاصمه داخلی و فتنه و فساد سیاسی و مناقشات مذهبی و تکفیر و تهمت واقع شده را برای استفاده دشمنان خارجی باز میکنند

خطای دیگری که مانع استفاده عمده از حس کنجکاو می شود آنست که بعضی اشخاص و خصوصاً طبقه نسوان این مملکت با اینکه این صفت را بعد کمال بر خور دارند غالباً به تعقیب مقاصد بی اهمیت مصروف داشته مجال التفات به کارهای عمده و اکتشافات مهم باقی نمیگذارند . بر ما لازمست که من بعد این حس را در خود و در اطفال تربیت کرده فواید عمده حاصل کنیم

تکلیف : چند مثال از کنجکاوهای خوب و بد را ذکر دلایل و نتایج آنها بیان کنید . عضی از بزرگان که اطرافیان خود را معتاد به کتمان حقیقت و گفتمن دروغ نموده ازین راه دوچار صدمات شده اند ذکر کنید

شجاعت در باب اینکه انسان خوبی را بخیر اهدا و بان عمل کند

بزرگی سراسر بگفتار نیست دوسد گفته چون نیم کردار نیست
خوبی را سابقاً تعریف نموده ایم ولی این فضیلت اخلاقی اگر تنها بدانستن و شناختن کفایت میکرد گمانیکه توانائی و میل حصول آن مقام را داشتند اکثریت عظیمی را حائز میشدند ؛ اما خوبی هم مثل سایر مکارم اخلاقی بعمل است نه فکر تنها یعنی از تصورات و خیالات خوب آتسمت را میتوان قدر و قیمت گذاشت که بفعل سرایت کرده فائده از آن عاید گردد ؛ تکلیف در واقع نام دیگر خوبی است چرا

که هر کس خوبی کند تکلیف انسانیت را بجا آورده و آنکه بدی کند از تکلیف خویش غفلت نموده است

اکنون لازمست که بدانیم خوبی کردن آسان است یا مشکل و قبل از آنکه باقی مطلب بیان شود خوبست بفکر خودتان مراجعه کرده جواب دهید که آیا ادای تکلیف همیشه سهولت ممکن است یا خیر؟! فرض کنید حریق یا طوفانی روی دهد و جماعتی را بخطر مرگ بيفکند آیا ما میتوانیم ایستاده تماشاچی این منظره موخش باشیم؟ یا اینکه برای استخلاص آنها بایستی خود را باب و آتش اندازیم البته تکلیف مانجات دادن آنها است که آنهم کار سهلی نیست پرستارمریض برای ادای تکلیف تحمل بی خوابی و صدمات جان فرسا کرده مادر مهربان لذاذد زندگانی را فدای پرورش اطفال مینماید همچنین سرباز شرافتمندیکه سینه را هدف گلوله دشمن و حفظ وطن مینماید و بسا زحمات دیگریکه بنام انسانیت متحمل شده و استقبال میکند. بنا براین ما هم برای خوبی نمودن بهر قیمتی که باشد بایستی با کمال شجاعت خود را مهیا نمائیم

ترك تکلیف هم خالی از خطر و زحمت نیست کسی که هرگز قدمی بخدمت خلق برنداشته در چشم همه کس بی قدر و حقیر شده معاشرت و معاملات بلکه زندگانی او با مردم دشوار است

که بر جان ریشت نهد مرهمی که از درد دلها نبودت غمی

(سعدی)

گاهی فکر ما میدان کشمکش و منازعه غربی واقع میشود از طرفی وجدان ما فرمان خوبی صادر کرده و از جهتی خواهش های نفسانی مقاومت نموده آنرا رد میکنند درین قسم مواقع شجاعست لازمست تا فتح و فیروزی نصیب عقل و وجدان بشود

قوت هوای نفس با سن انسان نسبت معکوس دارد البته شما در سن چهار سالگی بیشتر مقهور میل غریزی بوده اید تا چهارده سالگی و از آنچه در تمام دوره حیات باید حذر کنیم آنست که در هر سنی بیش از مقتضیات موقع مقهور میل غریزی نشده همیشه وجدان و عقل را قدرت و غلبه داده خوی حیوانی را سرکش نگذاریم

اشخاصیکه قدر خوبی را ندانسته و حق ناشناسی میکنند مردمان نابالغی میباشند که مثل اطفال مربی و آموزگار را دوست نمیدارند ولی سزاوار نیست که این عذر آنها را مستحق بدی یا ترک خوبی بدانیم همانطور که از تربیت اطفال بعد از عدم قدر دانی صرف نظر نمیکنیم. بزرگان و دانشمندان نصایح و خویهاییکه بمعاصرین خود نمودند به بهای جان عزیز شان تمام شد ممالک معظم اروپا و امریکا که در ممالک وحشی و نیمه وحشی مریضخانه و مدرسه تأسیس کردند غالباً متصدیان آنها بمکافات وحشت انگیز دوجار گردیدند ولی از تعقیب مرام خسته و دست بردار نشدند تا اینکه مردم آنجا تربیت شده بحقوق بشریت واقف و قدر زحمات آنها را دانستند.

بعضی اشخاص بدی نمیکنند اما سبب قوت و قدرت بد کاران می شوند باین معنی که هر گاه سستی و کناره گیری در اشخاص

دانا و شرافتمند رواج گیرد بهترین وسیله فتح و نصرت مردمان بد خواه است و عده دیگر از مردم همین قدر که ضرر نمیرساند کافی دانسته چون مایل به آرامی و انزوا هستند در حوادث محیط خود دخالت نمیکند و برخی بواسطه علاقه مندی با احترام و آسایش از ترس مواجه با خطر سکوت اختیار نموده و عجب تر اینکه خود را از جمله خوبان هم محسوب میدارند؛ این قبیل اشخاص مرتکب اشتباه و خطا و خیانت شده اند زیرا .

(۱) ما بایستی بی حسی و بی قیدی را ترك نموده بامردم شر کت و کمک کرده در اجرای عدالت کوشش نمائیم والا هر گز از زمره خوبان محسوب نخواهیم شد .

(۲) شخصی که امروز از نعمت استراحت و امنیت بهره مند و کسی متعرض و مخل آسایش او نیست هر گاه ظلم و تعدی در آن مملکت بی مجازات بماند آتش ظلم و تعدی بخانه او هم سرایت میکند .

(۳) چون آسایش و امنیت و مایحتاج هر فردی بکمک جامعه فراهم میگردد انصاف نیست که خود را در صدمات وارده بر آنها شریک و سهم قرار نداده یاری و مساعدت نکنیم؛ و این اشخاص اگر چه خودشان مستقیماً مرتکب بدی نشده اند ولی بدان را قوت و جسارت داده ضعیفان را حمایت کرده بر خلاف شیوه بزرگان که مخالف گوشه نشینی می باشد رفتار می نمایند و ما نباید به آنها تأسی کنیم صاحب دلی بمدرسه آمد ز خانقاه بشکست عهد صحبت اهل طریق را

گفتم میان عابد و عالم چه فرق بود تا اختیار کردی از آن این فریق را
گفت آن گلیم خویش بدر میبرد ز موج

وین سعی میکند که بگیرد غریق را
(سعدی)

تکلیف : از قطعه فوق چه نتیجه اخلاقی میگیرد ؟

نظم

مصراع - که هر چیزی بجای خویش نیکوست
مسلم است که هر چیز بافایده خصوصاً در صورتیکه بی عوض
هم باشد بسیار گرانها و محترم است بقسمیکه جداً در محافظت آن
کوشش نموده از کم کردن و تلف نمودنش احتراز میکنیم و میدانیم
که از همه چیز ذیقیمت تر وقت است زیرا وقت سبب بر آوردن تمام
مقاصد ما است و همینکه رفت باز گشت ندارد، بزرگترین آفت وقت
بی نظمیی امور زندگانی است که هر کس ما یحتاجش جای معلوم و
کار هایش وقت معین ندارد ساعات طولانی به تجسس و تردید و بی تکلیفی
بسر برده وقت را ضایع و عمر را تلف میکند،

نظم و ترتیب باعث سرعت و صحت انجام کار و صرفه جوئی وقت
و در همه کار سودمند است ساعات خوردن و خوابیدن اگر منظم باشد
از آسیب خیلی امراض محفوظ و مصون مانده و چون خرج کردن
را بترتیب صحیحی معمول داریم از فقر خویش جلوگیری کرده ایم
نظام زندگانی مثل مسائل ریاضی بهم مربوط است و باید تمام کار
ها از روی قواعد معین مجری گردد تا دقایق عمر بهدر نرود انتظام

يك رشته از امور بابی نظمى و هرج و مرج قسمتهاى ديگر مفيد نيست و مدرسه نمونه كاملى از نظم و ترتيب بما ارائه ميدهد كه اگر ساعات كار و قسمتهاى دروس و تمام جزئيات زندگاني مكتبي از روى اصول صحيح اداره نميشد اين عده كشيتر شاگردان و معلمين در اوقات محدود تعليم و تعلم موفق نميگرديدند حيف است كه بمحض خارج شدن از مدرسه ترك عادت كرده زندگاني مغشوش را از سر بگيريم

زنانيكه بى نظمى را در خانه خود رواج ميدهند بدست آنها شالوده بى ترتيبى و تعويق ورود كار كنانت ادارات و مدارس ريخته انلاف وقت افراد مملكت فراهم ميشود تا حكومتهاى كوچك خانوادگى تحت انتظام نباشد دواير دولتي نظم و ترتيب نميگيرد بديهي است كسي كه از طفوليت هر روز لوازم خود را در مكان غير معين تجسس كرده و شبها لباسش را در گوشه نامعلومي گذاشته ميتواند بموقع در مدرسه يا اداره حضور يابد و عادت كند كه دفاتر و نوشته ها را مرتب نموده از سرگرداني و اتلاف وقت رهائي يابد. خانواده بى نظم هر قدر اطاق و قفسه داشته باشد هنوز در هر گوشه و كنار مقداري اشياء پراكنده ديده ميشود كه براي هر چيز ضروري تمام آنها را زير و رو ميكند ولي خانه دار با سليقه ميتواند در خانه محقر خويش اشياء كم قيمت را طوري ترتيب دهد كه زيبائي و جلوه آن جلب توجه نموده و بواسطه نظميكه در كارهايش ميدهد مجال كافي براي انجام كلييه وظيفات خود داشته باشد

عادات

خوی بد در طبیعتی که نشست نرود تا بروز حشر از دست
از تکرار عمل حادث میشود و چون عادت باقی ماند بخود و
طبیعت منجر شده جزو غرائز نفسانی میگردد . عادت در تمام اعضای بدن
تأثیر دارد و بمناسبت خوب یا بد آنها فایده یا ضرر می بخشد عادات
حرکتی را گویند که بدون اراده میتوان بروز نموده ارتباطی با فکر و
مغز نداشته باشد ولی غالباً با اراده میتوان تولید عادات نموده باین طریق
که چون میل داریم بکاری معتاد شویم چندین مرتبه با تحمل زحمت
آنها را روح یا جسم خویش تحمیل کرده مسلماً بعد از تکرار انجام آن
بسهولت میسر میگردد مثل مشق انگشتان بنواختن موسیقی و عادت به
حرکات ورزشی

از چیزهایی که انسان متغیر بوده آنها را مکروه و نامطبوع می
داند ممکن است که بوسیله عادت میل شدید و علاقه مفرط پیدا کند
اغلب اشخاصیکه دخانیات یا الکل زیاد استعمال میکنند ابتدا از بو و
طعم حتی ابتلای بان متغیر بوده ولی بعد از معتاد شدن ابتداء احساس نا
مطبوعی نموده ترك آنها قطع رشته حیات میدادند . چون عادات اثرات
عمیق در زندگی شخصی میگذارد البته معتاد شدن بکارهای بد
خطرناك و پر زحمت است باید از مختصر لغزشی که محتمل است مقدمه
يك عادت بد محسوب شود اجتناب کرده چنانچه گویند « خطاها اول
رهگذر بعد مهمان و سپس صاحبخانه میشوند » (ضرب المثل فرانسه
باین طریق

(۱) گاهی بواسطه وسوسه و هوس جوانی محض تفریح و شوخی مرتکب حرکت نامعقولی میشویم در صورتیکه بزشتی و ضرر آن معترف بوده هرگز نمیخواهیم به آن مبتلا و معتاد شویم ولی پیش خود فکر میکنیم که یکدفعه رهگذر است و عادت نیست اما این اولین جرم و خطا قدری ترس و خجالت ما را تخفیف میدهد

(۲) دفعه دیگر میل بان بیشتر ملاحظه و خجالتمان کمتر میشود میخوانیم بقول خودمان این بازی و تفریح را گاهی تکرار کنیم و مثل مهمانی که بما دیدن کنند پذیرائی کرده چند لحظه بمصاحبت آن بسر میریم

(۳) متأسفانه همینکه اجازه دادیم که حرکت خطا قدمی نزد ما بگذارد در دست او سیر شده رهائی نداریم و وقت بخود آمده می بینیم حکمران مطلق وجود ما و صاحب خانه شده فرمانفرمائی میکند باین ترتیب فضول خبرچین شده دله پر خور و رفیق تریاک کی تریاک کش و کسیکه برای تفریح یا همراهی با دوستان جرعه مسکر آشامیده دائم الخمر میشود

بنا بر این ممارست و تکرار اعمال نیک هم منجر بعادات خوب میشود و اگر شخص ممسک یکی دوبار مجبور باحسان و بخشش در باره فقرا گردید از فوائد آن لذت برده ترسش در خرج کردن پول زائل شده ممکن است بسخاوت معتاد شود و اشخاص قبل هر گاه خود را وادار بکار و فعالیت نمایند عادت بکوشش و جدیت مینمایند

قبل از هر عملی تمام نتایج ممکنه آنرا پیش بینی کرده فکر

بیدار خود را معین و مفتش حرکاتمان قرار دهیم و آنچه را نمی پسندیم از نزدیکی بان احتراز جوئیم و از پیش آمد کسانی که علی رغم میل خود عبادات زشت مبتلا شده اند پند گیریم

کسی که طالب حریت اراده و اختیار نفس میباشد بایستی خود را مطیع و متقاد عادت نکرده و در مواقع لزوم بترك و تغییر آن قادر باشد چه بسیار ملل قدیمه که در حصار عادات مدت ها از نیل بترقی و اخذ تمدن جدید محروم مانده اند

یکی از حکما گفته است « کسانی که عادات خود را کاملاً اطاعت میکنند و اراده در وجود آنها تسلط و اقتداری ندارد اگر چه بظاهر انسانند اما در واقع جزو جمادات میباشند »

سرچشمه عادات اطفال مادر و پدرند که باید عزیز ترین مایملک و حاصل عمر خود را یعنی فرزندانش را از خطر عادات مضر حراست کنند و هرگز آنان را بگفتن دروغ و حبر چینی و استراق سمع و ادار نکرده غیبت از مدرسه و گریختن از کار را بانها اجازه ندهند تا در بزرگی ترك آنها مشکل و شاید برای اراده های ضعیف از محالات تصور نشود. از جاهای تاریک و چیزهای موهوم مثل جن و دیو آنانرا ترسانند که جبان و کم دل شده یاد گارهای بدی از تربیت خانوادگی خواهند داشت؛ جسم آنها را بمقاومت با گرما و سرما و حرکت و زحمت پرورش داده روحشانرا بشجاعت و امانت و حریت نفس و آزادی عادات دهید و آنانرا معتاد کنید که همیشه کارها را با فکر و احتیاط انجام داده و از خبط و اشتباه جلو گیری کنند.

قسمتی از عادات نتیجه مجالست و معاشرت است و باید اطفال و اشخاص کم تجربه را از همنشینی با کسانی که خلق خوب و تربیت صحیح ندارند منع کرده با رفقای عاقل و خوش رفتار محشور و مأوس کنید حضرت رسول ص فرماید : « قرین نیک همچون عطار است اگر عطر خوش را نتواند بوی آن در تو آویزد و قرین بد آهنگر است اگر آتش او تو را نسوزد دود او در تو گیرد » .

هوی و هوس - خطای احساسات خام و بی تجربه است که مخصوصاً در اوایل زندگانی و بی اطلاعی باعث لغزش و سقوط جوانان بمهالك بدنامی شده از مرتبه عزت و شرف به ذلت و حقارت انحطاط میدهد خود را در حصار محکمی از عادات و اخلاق خوب قرار داده رخنه برای ورود و استیلای هوس و شهوت باقی نگذاریم .

تکلیف : بعضی از افراد و مللکه بواسطه حفظ عادات مذمومه قدیمه از ترقی عقب مانده اند شرح دهید ؟

عاداتیکه باعث ذلت و حقارت یک نفر بسا يك ملت میشود کدامها هستند ؟

حجب و حياء

﴿ الحياء من الايمان حدیث شریف ﴾

زیبا ترین مظاهر انسانیت سلامت اخلاق و حجب است دارنده این صفت کسی است که حرکاتش بی آلابش و معتدل بوده هرگز جلوه گری و حسن فروشی نداشته باشد گفتار و کردار ساده و طبیعیش مبین فضایل و خصال ارجمند او باشد

کسیکه از خودش زیاد حرف زده لاف و گزاف میگوید بادر

حرکاتش ظاهر سازی و خود آرائی میکند طریقه غلطی در بزرگ نمودن خویش انتخاب کرده و بسی شبهه بمقصوده نمیرسد. هر کس جدیت در انجام وظیفه و سعی در تادیب و تهذیب خود نموده خوبیهای دیگر آنرا قدر دانی کرده مکارم اخلاق خود را در پرده شرم و حیا پوشانند و در خیال نمایش دادن و آشکار نمودن آنها نباشد یقیناً اهمیت و شکوهش زیادتیر و در چشم مردم گرامی تر است.

خود پسندی صفتی است که مردانرا غالباً متکبر و جاه طلب کرده مستبد و خود رای مینماید. در زنها بیشتر بصورت خود نمائی جلوه گری در آمده عشق به تجمل و خود سازی و جلب انظار پیدا شده آنان را از وظایف حیاطی باز میدارد (البته نظافت و مراقبت در پاکیزگی البسه لازمه تربیت و تمدن است ولی خود آرائی هر گاه بجدی برسد که اشتغال بفروع شیخ را از اصول تکالیفش باز دارد تا پسند میباشد خانمهاییکه فریفته تقلید مد و تجمل پرستی میشوند طعمه حسادت و حب تعریف و تمجید گردیده وقت ذیقیمت و دارائی خود را در این راه فدا میکنند در صورتی که بهترین آرایش آنها حجب طبیعی و حیا می باشد

ولی تظاهر بحجب درحالتیکه باطناً دارای آن نباشیم نیز مخالف سادگی و صداقت است و این صفت بایستی در اعماق قلب و روح نفوذ کرده بطور طبیعی در حرکات ما بروز کند هر گاه ظاهر خود را در پرده حجب پوشانیم نام خدعه و مردم فریبی بر آن صفت برازنده تر است.



میانہ روی

(خیر الامور اوسطها)

حد وسط کم و زیاد

میانہ روی کہ آنرا اعتدال و در بعضی موارد اقتصاد میگویند نگہداشتن میزان معتدل و سالمی است در حرکات و احساسات کہ واقع است مابین دو طرف مضر افراط و تفریط

بعضی از مردم همینکہ بخوراك مطبوعی رسیدند زیاد تر از اشتها تناول میکنند و چون مشروب گوارا دیدند بیش از حد لزوم میاشامند بقدریکہ معدہ از تحلیل و گنجایش آن عاجز مانده مریض میشوند ؛ اینها مرتبہ انسان را نازل تر از حیوان قرار میدهند زیرا کہ هرگز بهائم بعد از سیر شدن نمیخورند . در قرآن کریم آمده است « ان الله لایحب المسرفین » سعدی فرماید

مخور آتقدر گزدهانت بر آید نه آتقدر گزضعف جانت بر آید

میانہ نگہدار در هر عمل چو خواهی کہ خالی بود از خلل

اعتدال در احساسات دوی خشم و غضب است کسیکہ بمختصر پیش آمدی بخشم فرو میرود و حرکات بی اراده میکنند در مواقع سخت زند گانی اختیار گفتار و رفتار خود را نداشته از راه بیخودی حربہ بدست دشمن داده خود را مضمحل و نابود میکنند منات و خودداری در هر موقع سبب حصول پیشرفت و موفقیت است

بی اعتدالی خطر بزرگ فردی و اجتماعی است مردمان حریص

و طماع همواره دشمن انسانیت بوده ظلم و مودی گری پیش گرفته
دائم قسمت از خویش ناراضی و مغمومند افراط کنندگان عیش و
خوش گذرانی نه فقط برای خود تهیه آتیه و خیم مینمایند بلکه برای
سایرین هم سرمشق بد اخلاقی خواهند بود واضح است که فراهم نمودن
خوشی و سعادت میل طبیعی هر ذی روحی است ما هم این اصل مسلم
را انکار نداریم اما زیاد روی در خوشی موجب بروز بدبختی است
استراحت مفرط روح و جسم را کسل مینمایند و عادت بخوشی و عشرت
لذت آنرا نابود میکند بعلاوه کسانی که فکرشان کوتاه است از مشاهده
عیش موقتی آنها گمراه شده از سر نوشت خود که آمیخته بکار و کوشش
است دلتنگ میشوند

از دویدن در مانده میشویم و چون خیلی آهسته برویم تاشب
بمنزل نمیرسیم قدمهای معتدل تا منتهی الیه مقصود با ما مساعدت میکند
این است دستور کلی حرکات و سکونات ما
تکلیف : فهرستی از صفات افراط و تفريط نوشته وحد وسط آنها را
معین کنید ؟

کار

کار کن کار بگذر از گفتار
کاندرین راه کار باید کار
در شروع بدرس اخلاق اهمیت کار بقدر کفایت بیان شد
مقصود از بحث ثانوی این موضوع بیان اقسام کار و شرایط کار گر
خوب است

فعالیت بشر بقدری کارها و مشاغل را متنوع و مختلف نموده

که شرح و طبقه بندی آنها کار مشکلی است و هر روز کارهای جدیدی مطابق مقتضیات زمان اختراع میشود اما بطور کلی آنها را بدو قسمت میکنند که عبارتند از کارهای روحی و جسمی :

مشاغلیکه بقوه بدن انجام یافته فکر را آزاد میگذارد کارهای جسمی گویند و این قبیل کار گران سهم بزرگی از خدمات عمومی را انجام داده مردمان با وجدان و شریف و زحمت کشند که با خاطری مسرور و طبعی قانع زندگی میکنند (زارعین و کارگران معادن و غیره)

کارهای روحی آنها نیست که فکر و هوش در آن بیشتر دخالت کرده زحمت آنها کم تر از کارهای جسمی نیست (اطباء و آموزگاران و کلای عدلیه و غیره) اما در اکثر موارد روح و جسم با یکدیگر کار کرده و کمک هر دو ضرورت دارد

در عصر ما ترقی و زنده گانی منوط بکار و کوشش است و بر هر کس واجب است که بمناسبت میل و استعداد خود شغلی را انتخاب کند اگر باختیار خود این وظیفه اجتماعی را بجا نیاورد و بکاری همت نکمارد بحکم اجبار کارهای مخالف میل و پر زحمتی باو تحمیل میشود ثروتهای هنگفت در مقابل بیکاری تاب مقاومت نیاورده فانی میشود مگر اینکه اشخاص متمول دارائی را بکار انداخته از آن فایده رسانیده و خودشان هم متمتع شوند . ثروتیکه انسان را به تنبلی و فرورفتن در فجایع و قبايح مبتلا کند وبال است نه مال در جامعه که ذوق کار خیلی کم و تنبلی شایع باشد بدبخت ترین مردم کسانی هستند که دولت موروثی

نصیبشان شود زیرا که موجبات فساد اخلاق و فقر و تن پروری آنها میگردد اما کسیکه از ابتدا احتیاج خود را به اعاشه از دسترنج حس کنند خوشبخت و سعادتمند میشوند

در همه کاری که در آئی نخست رخنه بیرون شدنش کن درست
انتخاب شغل - قبل از اینکه یکی از راه های منشعب شغل و عمل را پش گیریم تمام جوانب و اطراف آنها را ملاحظه کرده با استعداد مادی و معنوی و میل طبیعی خود مقایسه کنیم مبادا بی فکر و دقت داخل راهی شویم که بر گشتن از آن اتلاف عمر ما است

هوشها و حافظه ها و قوای اشخاص از زمان تولد مختلف و متنوع است و طفل خواهی نخواهی تحت نفوذ طبیعت و مزاج والدین خویش قرار گرفته است بعلاوه اختلاف تربیت خانوادگی و محیطی که شخص در آن بزرگ میشود در وجودش دخالت دارد چه بسا استعداد های فوق العاده که در اثر سوء تربیت بیهوده و مهممل میماند علیهذا طرزاستخدام قوای هر کس بشکل خاصی میسر است و هر کدام در شغل مخصوصی ترقی و توانائی داشته که اگر بکار دیگر پردازد استعداد او را کد و بیمصرف میماند .

انتخاب شغل یکی از مهم ترین امور زندگانی است که ذوق و قابلیت و امتیاز انسان را نمایش میدهد بنا بر این نباید خود را بقبول شغلیکه استعداد آنرا نداریم مجبور کرده یا اولاد خود را باین بدبختی بزرگ مبتلا کنیم فقط با مطالعه و تجربیات عاقلانه که در روحیات و قوه طفل نموده ایم او را در انتخاب شغل نصیحت و راهنمایی کنیم شاگردان

مدرسه بخوبی تجربه کرده اند که در پیشرفت دروسیکه مخالف ذائقه آنها است سعی شاگرد و معلم بهدر رفته نتیجه خوبی نمیبخشد؛ حکایت ذیل از پدر کم تجربه ایست که پسر خود را مدتها در فشار و سرگردانی گذاشته بود و عاقبت حسن اتفاق در نجات او مساعدت کرد.

پدر دانشمند و نویسنده پسر را بکسب علوم و ادبیات وادار کرده بحد وافر بذل مساعی و صرف مخارج نموده روزها در مدرسه و شبها در خانه نزد معلم و پدر بخواندن و نوشتن مجبور بود ولی علی رغم میل پدر سالها گذشت و پسر ابداء استعدادی در تقریر و تحریر نشان نداده علاقه باین کار بروز نمیداد و از نصایح پدر یا ندانیر سختیکه اتخاذ میکرد اثری مشهود نمیگردید تا اینکه پدر روزی فوق العاده متغیر شده محض تنبیه و سیاست فرزند تدبیری اندیشید و او را بالباس کهنه به نجاریکه در همسایگی آنها بود سپرده گفت چون پسر من لایق مقام رفیع علم و کمال نیست بشاگردی خود قبول کرده و پست ترین خدمات دکانرا بعهده او بسیار که بدون دقیقه استراحت و غیبت مشغول کار باشد اما پسر بخلاف تصور پدر بسا کمال خوشنودی به نجاری پرداخته هر روز بموقع در دکان حاضر شده حتی در منزلهم آسوده تنشسته اشیاء ظریف و کوچک میساخت شوق واستعداد غریب او رضایت استاد نجار را فراهم مینمود و از پدر با تضرع و التماس ادامه این شغل را خواستار گشت تا اینکه بالاخره نجار ماهری شده منتهای هوش و فطانت و اختراع و سلیقه را بکار برده صاحب سرمایه و دکان کارگران زیاد شده روز گاری بخوبی میگذرانید و این حسن اتفاق او را از عاقبت ناگواریکه

نداشتن شوق تحصیل برایش مهیا میکرد نجات داد
اما بدانید که میل واستعداد را نمیتوان باسانی شناخت مثلاً اگر
کسی مدرسه رفتن و طرف احترام واقع شدن و حقوق منظم گرفتن
را دوست میدارد نباید خیال کنید که شایسته معلمی است و هر کس
دوری از جنجال شهر و استنشاق هوای آزاد و خوردن شیر و پنیر و
تخم مرغ تازه را میل دارد بگوئیم برای فلاحته مهیا است و هر پسر
جوانیکه سواری براسب و لباس نظام را می پسندد او را مستعد خدمت
نظام تصور کنیم: این طور نیست و برای آموزگاز قوه تقریر و تحریر
و متانت و حوصله و عادات خوب و احاطه بر علوم و برای برزگر
سعی و چابکی و میل بزندگان آرام و یک نواخت و ساده و بکاربردن
قوای یکنفر نظامی شجاعت و سلامت مزاج و حسن وطن پرستی و
فداکاری لازمست

طبیعت و آرزوهای زنانه غالباً تشکیل خانواده و اداره امور منزل
و تربیت اطفال را ترجیح میدهد: زن میخواهد کانون محبت و فعالیت
و روشنائی بخش احساسات و افکار مقدس خانواده خود باشد و برای
حصول این مقصود بایستی با علم و هنرمند بوده حفظ الصحه نظم
اقتصاد و آداب تربیت را دانسته برای اینکه هنگام ضرورت از تهیه
معاش خود عاجز نماند صنایع و علومیکه با وضعیت زنان مناسب است
بیاموزد

باین جهت است که پرگرام مدارس دخترانه بنحویکه آنها برای
اداره منزل مهیا کنند ترتیب میدهند زیرا که تنها خواندن و نوشتن

افرادی بوجود می آورد که بدرد خانواده و ملت نمیخورند بلکه از آنها ضرر میرسد؛ برای مملکت مادر خوب و زن خانه دار لازمست تا سعادت و آبادی آنها فراهم کند

در باره پسرانهم مراعات این نکته لازمست تا در نتیجه تحصیل و تربیت مردان کار و صنعت بوجود آمده و مشاغل آزاد پیش گرفته ایجاد کار و ثروت کنند نه اینکه مجبور باشند برای آنها معمر معاش و نویسندگی در یکی از ادارات تهیه نمایند و الا بیکار مانده سبب افروختن آتش فتنه و فساد بشوند

ترقی و ثروت هر ملت در رواج مشاغل آزاد و صنایع و هنر است اداراتی که هزارهائیس و حاکم منتظر خدمت دارند جز افسردگی و کشتن افکار نتیجه ندارد - مادران باید این مطلب را به اولاد خود خاطر نشان کرده و آنها را به مشاغل و صنایع خوب تشویق و راهنمایی نمایند -

نصایح برای ترقی کار و شغل - کار خوب آنست که کارگر

لایق انجام دهد و کارگر خوب آنستکه شغلش را دوست داشته با خوشروئی و ذوق و بدون اظهار کسالت و بی میلی کار کند از تمام کارها سخت تر و ناگوار تر آنستکه کارگر کار را با جبار و دلنگی صورت دهد کارگر بد خو و ترش رو هر که باشد متاعش بی مشتری و بازارش کساد است - همینکه با شرایط سابق تصمیم گرفته بکاری داخل شدیم باید تا نقطه انجام تعقیب نموده موانع و مشکلات را با صبر و پشت کار مرتفع کنیم کسانی که کار خود را ناتمام میگذارند

یا بعجله و بی دقتی صورت میدهند سبب بد نامی خود را فراهم نموده در انتظار جلوه و روتقی ندارند. هر که مکرر شغلش را تغییر داده هر چند ماه يك کار مشغول شود عاقبت هیچیک را نیاموخته و ترقی نمیدهد يك کار و هنر کامل و با سر انجام بهتر است از چندین عمل ناقص و ناتمام ضرب المثل فرانسه است « سنگی که میغلطد دورش علف سبز نمیشود » که بر سنك غلطان نروید نبات !

مشاغل و کارها همه سودمند و محترمند جز اینکه کارگران نالایق بقدر کفایت از آن استفاده نمیکنند. منافع کم و مشروع بر فواید بسیار و غیر مشروع ترجیح دارد صحت عمل دارای منفعت دائمی است در صورتیکه پاداش خدعه و خیانت غیر از ضرر و بد نامی نیست آسایش خیال و رضایت از اوضاع زندگانی نیز برای پیشرفت و ترقی شغل ضرورت دارد و یکی از مزایا و رجحان زنان دانشمند خوش اخلاق آنست که در بر تو لیاقت و فراست آنها آسودگی و آرامش و وظیفه شناسی در خانه حکمفرمائی نموده اولاد و شوهر اوازهر حیث آسوده خاطر مشغول سعی و عمل میباشند زنان نادان علاوه بر اینکه وظائف خود را انجام نمیدهند سلب آسایش از افراد خانواده نموده کساد رونق کار مردانرا فراهم میکنند

حکایت کنند که نجاری هر روز با دلی شاد و خاطری آزاد بدکان خود درفته تمام همش را بتکمیل صنعت خود و رضایت مشتریها مصروف داشته دخلش روبازدیاد و خانواده او قرین سعادت میزیستند بطوریکه حس رقابت همکارانرا تحریک کرده هر يك پیش خود در

کار او حیران و علت ترقی او را کاوش میکردند یکی از آنها بعد از تجسس دانست که همکار آنها زنی دارد زیرک و نیکو سیرت و خانه دار که مرد نجار راحت و زندگی دلگرم نموده او هم از این فراغ حال استفاده کرده بتوسعه معاش آنها میکوشد و یقین کرد که ترقی نجار از همین راه است و عقیده خود را بسایر رفقا اظهار داشت چون قول او را نمی پذیرفتند و بنظرشان این فکر قابل قبول نمیامد در اثبات سخن خود شرط و نذر بسته بطور پنهانی وسایلی بر انگیخت تا بین زن و شوهر مهربان تولید تقار و کدورت کرده مناقشات و مشاجرات خانوادگی و اجاحت شروع شده راحت آنها بدل بزحمت گردید :

نجار بخت برگشته با حالت آشفته و دل افسرده بکلی ذوق و نشاط سابق را از دست داده بی حوصله و فراموش کار گردید هر بار که اره می کشید دست خود را میبرد و هر گاه چکش میزد انگشت خویش را می گوید کارش کساد و مشتریهای زیاد او متفرق شدند و همکار زیرک دعوی خود را ثابت کرده نذرش را برد

تکلیف : آیا فکر کرده اید که بعد از خامه تحصیل چه شغلی پیش خواهید گرفت ؟

چه دلایلی برای حسن انتخاب خود دارید ؟

چه مشاغلی بحال جامعه مضر است عقیده خود را بیان و مدلل نمائید ؟

از این شعر چه نتیجه میگیرید ؟

بدست آهن تفته کردن خمیر به از دست بر سینه بیش امیر



حب مطالعه و درس و علم

در طبیعت بشر قوه قرار گرفته که ویرا همواره بکنجکاری و کشف اسرار نهانی وادار مینماید این غریزه از اوایل طفولیت تا دم مرگ با انسان همراه است پرسشهای گوناگون اطفال نخستین درجه حب و علم و کسب اطلاع را در بشر ثابت مینماید میل آگاهی بر حقایق موجودات و اطلاع از کینه مطالب و احاطه بر اشیاء در انسان طبیعی و فطریست ولی اختلاف قوه استنباط و فکر بعضی را بتحصیل علوم بی میل و کم استعداد نموده بقسمیکه در تقویت و بکار انداختن هوش و فکر خویش جدیت نموده وقت تحصیل دانش را به بازی و تنبلی میگذرانند غافل از اینکه علم ثروت پایان و سعادت ابدی است و دانشمندان حل مسائل غامضه زندگانی را بکمک فکر روشن خویش پیدا کرده بزودی درنمیمانند

مسلم است هر کس شوق آموختن ریاضیات را بحدیکه ریاضی دان کاملی بشود ندارد و قریحه تحریرات مهیج و دلپذیر با حافظه قوی که بضبط اسامی و سنوات عدیده قادر باشد علی السویه نصیب تمام مردم نشده اما ممکن نیست کسی با صرف وقت و توجه از هر علمی کم یا بهره نبرد و استفاده نکند و بکلی از خود مأیوس بشود

همانطور که آفتاب زمین را پرورش داده قابل زراعت میکند انوار علم هم قلب و احساسات و مغز و مشاعر را بانواع فضایل آراسته هوش را قوت داده انسان را در بسیاری از امور مشکل قادر و توانا میکند

و هنگام هجوم غمها و ایام سخت زندگی انسان را تسلی و تسکین میدهد علم مفید تر از تمول سرشار و نیکوتر از جمال زیبا و بهتر از عمر طولانی است کسیکه از علم بی بهره بماند وجود ناقصی است که تکامل طبیعی خود را نموده و پیوسته همقدم خبط و خطا و همدم غم و ندامت است برای تعیش خود راه صحیح شرافتمندی پیدا نمیکند. تن مرده و جان نادان یکی است

خانمهای تحصیل کرده سرپرست لایق خانواده خود خواهند بود مشروط بر اینکه صنایع و علومیکه در مدرسه تعلیم گرفته اند دروظایف خود و اداره منزل معمول داشته فقط بنام دیپلمه و تحصیل کرده قناعت نمایند تا مزیت عمده آنان به زنان نادان و بی تجربه آشکار شده معنای آنها تفاوت داشته باشند شاید شنیده باشید که یکی از عیجویان درباره زنان گفته است «زنان علمشانراهم مثل ساعتشان بکار میبرند» و منظورش این است که زنان ساعت را برای زینت میچ دست می بندند و توجهی به خوب کار کردن آن ندارند همانطور که علم را هم برای آرایش ظاهر میخوانند نه استفاده و تهذیب باطن

باری ذکر این سخن برای تصدیق قول گوینده آن نیست بلکه مقصود از بیان و تذکر این مطلب آنست که بکوشیم تا رفتار ما گفتار ویرا مقرون بحقیقت نکند

مقام علم و محسنات آن بقدری مسلم و مبرهن است که توضیحش بیش از این لازم نبوده و تکرار مکررات کسالت آور است ولی بمناسبت این موضوع چند قسم از خطایای شاگردان مدارس را بیان

میکنیم تا هر کدام از شما خود را بیگی از این صفات موصوف می
دانید ضرریکه در مقابل عایدتان میشود نیز دانسته در رفع آن همت
بگذارید

غرور - بعضی شاگردان به نصیحت و یا ملامت و تنبیه آموزگار
خود را بی اعتنا نشان داده بیاغی گری و لجاجت با معلم بر خود میبالند
و این کار مانع قبول تربیت و ترقی آنها شده در مدرسه و در جامعه قانون
ناشناس و مخالف و بیاغی معرفی گردیده بعواقب وخیم و بلیات عظیم منجر
خواهد شد و شاگرد با هوش از این صفت اجتناب میکند در عین حال
بشاگردان حق میدهد که درباره موارد اظهارات حقه خود را با
کمال ادب بیان کنند و حس طبیعی و آزادی و شهادت را کور کورانه
مقهور نسازند

غفلت یا گنجی عملی - کسانی که برای فهمیدن دروس هوش
و حواس خود را متوجه نکرده و مرکزیت نمیدهند غالباً از آنچه
میشوند یا می بینند چیزی نفهمیده و نتیجه نمیگیرند. هرگاه عاقبت این
صفت را پیش بینی کرده بدانند که آنها را به جهل و نادانی میکشاند
البته برای فهم مطالب کوشش کرده نسبت گنجی را بر خود سزاوار و
پسندیده نمیدانند

پر حرفی و بی نظمی - این قبیل شاگردان دائم با هم کلاسهای
مجاور خود مشغول صحبت شده یا در موقع درس حرکات مسخره آمیز
نموده مخمل آرامی و سکوتیکه لازمه توجه به گفتار آموزگار است
می شوند طوریکه معلم مجبور است که بسیاری از دقایق پر قیمت کلاس

را به تهدید و ساکت نمودن آنها تلف کند این شاگردان باید بفهمند که بر حرفی و ملعبه و مسخره همگنان شدن کار زشت و ناپسند بوده ترك آن واجب است و هر گاه بی هوش و ذکاوت بوده نصایح آموزگار را قبول نکنند چون سبب بی نظمی کلاس شده و حواس شاگردان را پریشان کرده وقت آنان را تلف میکنند چاره جز خارج کردن آنها از کلاس نیست

تبلی - غالباً یکی از علت‌های ذیل سبب تبلی شاگرد میشود

۱ - کسالت روحی یا جسمی که باعث خستگی فکر شده ذوق کار و تحصیل را سلب می کند لهذا باید علت ضعف مزاج و نقلات را دانسته معالجه کنند

۲ - بیخبری از احتیاج عمومی بعلم و هنر و نتایج سودمند آن که چون علت رنج تحصیل و فایده که از این زحمت عاید آنان میشود نمیدانند بکسب علم ذوق و فعالیت بروز نداده سبب بی میلی آنها میشود و این قسم تبلی بواسطه نصایح سودمند معلم رفع شده همینکه چندی بکار و تحصیل مشغول شدند زنك بطالت از وجودشان پاك شده شوق و جدیت پیدا میکنند

۳ - گاهی تبلی بجهت کار زیاد تر از قوه و فوق توانائی است مثلاً شاگردیکه با همکلاسه‌های خود هم قوه نیست مثل کسیکه بار خیلی سنگینی را بدوش خود حمل کند از رفتن باز مانده ولی هر گاه میزان اشتغال و زحمت را معتدل و متناسب با قوه خویش بکند پیشرفت خواهد نمود و نیز کاریکه مخالف میل و استعداد شخص باشد سبب تبلی میشود

بنا بر این تبدیلی عارضه ایست که بواسطه تشخیص علت معالجه آن ممکن است و نباید مایوس شد

تکلیف : تمام حرکات انسان برای یکی از این سه منظور است (فایده تعریج و تکلیف) توضیح دهید که چگونه کارهای مدرسه متضمن هر سه قسمت است ؟

(۲) شاگرد مدرسه چه مسئولیتی نسبت به نظام مدرسه و رفتار بد رفتاری خود دارد ؟

ذوق تنظیم و ترتیب زندگانی داخلی

انسان عاقل دستور و قوانین صحیحی برای حرکات و رفتارش لازم دارد تا در جاده پرخطر زندگانی پایش بسنگ بی احتیاطی نخورد و بگودال گمراهی فرو نرود. میدانیم که حرکات جسمی ارتباط محکمی با حرکات روحی دارد و در حقیقت جسم ماشینی است که تحت اراده و فرمان روح حرکت میکند پس برای جلوگیری از لغزش و خطا باید زندگانی داخلی را منظم و مرتب نمود حدود آزادی و مسئولیت خود را همواره در نظر داشته باشیم

مشاهده میکنیم که قوه قاهره نهانی در نهاد ما وجود دارد و هر وقت مرتکب عمل بدی میشویم گرفتار ملامت و اضطراب باطنی شده هیچوجه راه فرار نداریم این همان احساس است که آنرا وجدان نامیده ایم این حس نه با قوانین کشوری که خودمان واضع آن میباشیم شباهت دارد و نه با قوانین طبیعت (الکتریسیته حرارت و غیره) که بشر در مقهور نمودن آنها جد و جهد دارد طرف نسبت است

وجدان کمال استیلا و تقو را در وجود ما دارد که هر قدر

انسان بدرجات علمی خود بیافزاید و رو بترقی سیر کند بیشتر خود را مجبور باطاعت و احترام آن دانسته و میداند

ما میتوانیم بواسطه وجدان پاک و بیدار خود پاسبان و مستحفظ حرکاتمان بوده احساساتمان را منظم و اداره کنیم و اگر مردم ما را فریب داده بیهوده مدح و ستایش کنند وجدان ما هر لحظه بصیرت و روشنائی جدیدی بخشیده حقایق را بی پرده آشکار کرده بما میگوید که لایق تمجید نبوده سزاوار ملامت و سرزنش میباشیم و همین ملامت وجدان انسان را تربیت و هدایت نموده از کارهای نامناسب باز میدارد ممکن است در سختیها و صدمات دوستان خیلی صمیمی بیوفائی کرده ما را ترك نموده حمایت و راهنمائی خود را دریغ بدارند ولی می توانیم فقط بوسیله داخله محکم و منظم و فکر توانا باب نجات بروی خود بکشائیم

آزادی - آزاد بودن یعنی شخص مالك اراده خود شده فایده و علت حرکاتش را دانسته بهر کاری میپردازد بموجب تصمیم خودش بوده مجبور بتحمیل عقاید غیر در رفتار و گفتارش نباشد ماهمه آزادییم آزادی حدودی دارد که زندگانی اجتماعی را تأمین میکند چنانچه حبس ، تبعید ، جریمه ، تنبیه ، ملامت ، قتل یا عفو و بخشایش و طاب معذرت بنام آزادی و برای آزادی مجری میگردد ، اگر ما از سرحد آزادی خود تجاوز نکنیم دیگران با خشونت و اجبار امر بازگشت بما نمیدهند ، از آزادی معنوی که عبارت از آزادی فکر و عقیده میباشد استفاده کرده عنان رفتار و افکار خود را بدست غیر نسپاریم و

بخاطر دیگری بکاریکه علت و سبب آنرا نمیدانیم اقدام نکرده عظمت مقام انسانیت را تا مرتبه حیوانات اهلی تنزل ندهیم

مسئولیت - از آزادی مسئولیت بوجود میاید و درجات آن در اشخاص تغییر پذیر است اشخاص نادان گمان میکنند که هر قدر میزان مسئولیت آنان کمتر باشد آزادتر و محترم ترند ولی بعکس هر قدر مسئولیت زیادتر باشد دلیل بر شرافت و آزادی و عظمت مقام شخص در جامعه است مثلاً عمل ناپسندیکه از طفل یا دیوانه یا کسیکه بند و مطیع دیگریست سر بزند البته با کار خلافیکه فاعلش عاقل و مکلف و آزاد باشد مسئولیتش بیکمقدار نیست

از اینجهت ملاحظه هوش و عقل اشخاص و رعایت درجه آزادی آنها در قضاوتهای صحیح خیلی لازمست و علل چندیست که مسئولیت اشخاص و مجازات حرکات مخالف قانون آنان را تخفیف میدهد از اینقرار: دیوانگی اجبار، سوء تربیت، طفولیت، نادانی، همنشینی با اشخاص بد و امثال اینها و از اینجا بخوبی میفهمیم که هر چه دلیل بر نقصان هوش و عقل و آزادیت سبب تنزل مقدار مسئولیت است و کسیکه مسئولیت ندارد آزادی هم ندارد یعنی هرگز يك دیوانه یا طفل یا نادان را باختیار خود نمیکذارند که هر چه میخواهد بکند

بایستی بداشتن مسئولیت کامل در حرکات و رفتارمان افتخار کرده مسامحه و اغماض در اعمال خود و سخت گیری و گذشت در باره سایرین را عادت خود قرار ندهیم و اینکار را خلاف بزرگی بدانیم هر يك از ما چون عضو جامعه بشر هستیم در اعمال سایرین هم سهمیم و شریکیم ما نباید سرمشق بد یا فکر بدی بدیگری داده و او را گمراه کنیم

وجدان

ما بواسطه حواس پنجگانه (باصره، سامعه، ذائقه، لامسه، شامه) که هر کدام عضو مخصوصی در بدن ما دارند درباره اشیاء قضاوت نموده آنها را تمیز میدهیم مثلاً وقتی که از گلی تعریف و تمجید میکنیم برای این است که باصره رنگ آن و شامه بوی آنرا و لامسه نرمی و لطافت بر کهای آنرا درك نموده اما درعین حال اگر کسی همین گلد زیبا را پریشان کرده دور بيفکنند حس دیگر بهم در ما تولید میشود و این حکم بر بدی عمل آنشخص میباشد باین تفاوت که مکان این حس اخیر در هیچیک از اعضای ظاهری ما نیست و مربوط بقوای درونی است طفلی که نافرمانی مادر یا آموزگار میکند یا بچه دیگری را اذیت و آزار مینماید عذر هائی از قبیل فراموشی و غفلت بمیان آورده یا اینکه میخواهد کتمان را وسیله عفو گناه خود قرار دهد در هر صورت نمیتواند منکر بدی عمل خود شده آنرا خوب بشمارد و اگر بظاهر شهادت باطنی خود را کتمان نماید مسلماً پیش خود بزشتی این حرکت اقرار دارد آیا تمام عمل خوب و بد را در کتانی درج کرده اند که ما تحصیل میکنیم یا از شخصیکه بر تمام آنها واقف است سؤال کرده جواب مبنویم ؟! چو آن هیچکدام از اینها نیست پس به وجود حس دیگری در باطن خود پی میبریم که خوبی و بدی را تمیز داده و قضاوت میکند و آن وجدان است یعنی قوه که عقل و هوش ما را محرك شده بد و خوب اعمال را تشخیص داده و در افکارمان قضاوت میکند وجدان نامیده میشود

وجدان ما را به تکالیف خود رهبری کرده به ادای آن مکلف می دارد ولی اطاعت یا عدم آن بسته به اراده ماست انسان از زمان تولد با وجدان ساخته و پرداخته خلق نشده باید با کمک عقل و اراده و مواظبت و دقت دائمی در اعمالمان وجدان خود را تکمیل نموده آماده قضاوت صحیح بنمائیم.

وجدان چگونه تشکیل میشود ؟ در زمان طفولیت و آغاز نمو احساسات بواسطه نفوذ و تأثیر سخنان مادر و پدر و وجدان شروع ظهور و بروز میکند تحسین و تقدیر یا ملامت و تنبیه آنان کارهای خوب و بد را بما یاد میدهد ؛ اطاعت خوش اخلاقی اطفال خردسال است در مدرسه سر مشقها و نصایح آموز گار و دروس و کتابها و زندگی اجتماعی مکتبی همه تشکیل دهنده حس اخلاقی ما هستند

روح از تنفس در محیط پاک و مجاورت با هم نشینهای مؤدب و معقول و خواندن کتب نفیس اخلاقی تلطیف میشود و بعکس بامردمان شریر پست فطرت و قرائت کتب و افسانه های فاسد تولید احساسات بد نموده وجدان را ضعیف میکنند

سعدی فرماید

بابدان کم نشین که صحبت بد
گر چه پاک تو را پلید کند

امتحان و جدان - ممکن است وجدان شخص بقدری ضعیف و خفیف باشد که هر گز در قضاوت اعمال ظهور و بروزی از آن مشاهده نشود ولی برای همه کس مقدور است که وجدان خود را پاسبان و مراقب رفتارش بنماید طریقه وصول بمقصود از اینقرار است :

هر شب موقع استراحت شروع به سئوالات و تحقیقات کاملی از

تمام کارهای روزانه خود نموده فکر کنیم که امروز چه اقداماتی نموده ایم؟ کدام يك از آنها سبب خوشنودی و تهنیت و کدامها مستوجب افسوس و ندامت میباشد؛ فهرست آنها را بخاطر خود مرور داده این سؤالات را از تمام کیفیت خودمان ادامه داده عادت مضری که داریم و صدماتی که پیوسته از آنها دیده و یا خواهیم دید تحقیق کنیم در رفتار گذشته خود قضاوت نموده آتیه را با آن مقایسه نمائیم لازمست که این سؤالات از روی صمیمیت بوده با همان چشمیکه بسایرین نظر میکنیم بخودمان نگاه کرده و سعی نمائیم تا هر چه هستیم بی کم و زیاد دیده عیوب یا محسنات آنرا بفهمیم و عادت کنیم که هر شب چند لحظه وقت خود را به تفتیش و ممیزی کارهای روزانه صرف کرده از وجدان خود بخواهیم که در باره آنها قضاوت نموده معتاد بجواب دادن بسؤالات باطنی ما بشود

این بهترین طریقه یافتن افکار سالم و سبب افزایش قدر و قیمت حقیقی انسان و سر چشمه فضایل اخلاقی و تربیت نفس است و بواسطه سعی و همتیکه در تکمیل وجدان میکنیم بزودی صمیمیتی با خود پیدا کرده وجدان ما همیشه هوشیار و بیدار بوده هر گاه عمل نامناسبی از ما بروز کند فوراً وجدان ما آگاه شده از ارتکاب آن جلوگیری می کند علاوه اطاعت وجدان عادت طبیعی ما خواهد شد

تکلیف : آیا بخاطر دارید موقعی را که وجدان ما آگاه شده از ارتکاب کارخطائی که قصد کرده بودید شما را ملامت نموده باز داشته است؟

طفلی که لباس خود را پاره کرده آزار حیوانات را سبب تفریح خود قرار میدهد چگونه وجدان و برا متنبه میسازید؟

اهمیت زن در عائله بشری

همیشه دختر امروز مادر فرداست ز مادر است میسر بزرگی پسران
(عفت و عصمت بهترین زینت و آرایش زن است)

یقین است که عموم محصلات اهمیت زن را در عائله بشری دانسته
و محض همین است که بمدرسه آمده کوشش دارند که خود رامیهایی
احراز مقام بزرگ مادری و مدیری خانواده ها بنمایند ؛ سایر دروس
مدرسه نیز عقیده شما را راجع به اهمیت زن تأیید نموده و تکالیف
مقدسیکه در آینده عهده دار خواهید شد بشما میاموزد

مدتیرا که در مدرسه بتعقیب مقصد خویش یعنی تربیت و تعلیم
مصرف داشته و میدارید در ضمن از انتهای مرحله طفولیت تا ابتدای
سن رشد بلوغ طی طریق نموده اید مدرسه مابین دو راهی زندگانی
آیه شما بلکه آیه مملکت و ملت شما واقع گردیده است که هرگاه
هنرمندی پیشه کرده کسب فضایل و اخلاق کریمه بنمائید تذکره ورود
خود را در جاده خوشی و سلامت بدست آورده سعادت مند خواهید زیست و
اگر قدر این اوقات گرانها را ندانسته کاهلی و بازیگوشی پیش بگیرید
یکسر بمغاک ذلت افتاده نه پای گریز و نه دست ستیز خواهید داشت و
ملتیکه از افراد نالایق و خانواده های پریشان تشکیل شود سر نوشت
آن آمیخته به فقر و ذلت است .

عقربه ساعت هر لحظه اوقات گران قیمتی را نشان میدهد که پشت
سر گذاشته و میگذرد که هرگز امکان بازگشت ندارد .

روز را رایگان زدست مده نیست امکان آنکه باز رسد

دختر جوان بزودی مدیر خانه و مادر گشته شغل مهم و مسئولیت بزرگی را عهده دار میشود آیا شما وظایف خود را آموخته و مهیا شده اید؟ نظر بهمین بزرگی مقام زن است که قرن حاضر و سایل تربیت دختران را با نیکوترین وجهت فراهم داشته کتب و مجلات زیادی منادی آگاهی مادرانند در میان این جنجال و هیاهوی عالم تمدن بخواب راحت غنودن و زنده گانیرا باریچه فرض کردن آتیه و خیمی دارد

زن برای این صاحب عواطف و احساسات لطیف و جاذبه مهر و صفا خلق شده که مایه بهجت و سرور خانواده بوده قلوب اولاد را متصرف گردیده آنها را هدایت و تربیت کند. الجنة تحت اقدام الا مهمات - بهشت واقعی را مادران تلمین میکنند حدیث شریف ناپلئون کبیر امپراتور فرانسه گفته است «دستی که گاهواره را تکان میدهد عالم را تکان میدهد» زیرا که کودکان گاهواره همان مردان توانای میدان سعی و عملنی و بذر فساد اخلاق را مادران جاهل در بوستان مملکت پاشیده و نمو میدهند و هم آنها میتوانند خطای خود را اصلاح کرده ریشه عادات بد را خشک و معدوم نمایند این است که تهذیب نسل آتیه ایران را از شما دختران مدرسه دیده منتظرند

عفت و نجابت - بوازنده تربیت زینت شاگرد مدرسه و زن خانه دار است اینکه شما بر خلاف رسم و عادت دختران سابق اجازه خارج شدن از خانه و آمدن بمدرسه و معاشرت با همدرسههای خود را حاصل کرده اید برای این است که اولیاء شما میدانند تربیت و تحصیل علم

ایجاد حس شرافت پرستی کرده وجدان شما بهترین حافظ و نگهبان مقام و حیثیت شما است و مسئولیت باطنی که در مقابل عقل و وجدان خود دارید از مسئولیت ظاهری و ترس و ملاحظه اشخاص شما را بی نیاز نموده و می توانید در کمال آزادی و شرافت که شایسته مقام انسان حقیقی است رفتار کنید. شما صاحب اولاد و خانواده خواهید شد بایستی موجب افتخار و نیکنامی آنان باشید نه سرافکنندگی و خجلت و هرگاه مختصر افزشی دامن نجات کسی را لکه دار کرد محو کردن آن بسیار مشکل است.

بعذر توبه توان رستن از عذاب خدای

ولیک می توان از زبان مردم رست

(سعدی)

زنان نجیبه و شرافتمند هر قدر سنشان زیاد تر بشود عزت و احتراماتشان افزوده شده در پیری قرین استراحت و بزرگی زندگی می کنند ولی زنان نادانی که نتوانند آبرو و حیثیت خود را حفظ کنند آتیه پر رنج و محنتی در پیش داشته پس از خاتمه دوره ناپایداری جوانی روزگاری در کمال سختی و بیچارگی طی خواهند نمود برای اینکه قدمهای بلندی در ترقی و تعالی برداشته و پیشوای نهضت زنان عصر خود باشیم و موافقیکه در این راه موجود است مرتفع کنیم بی اندازه پاکیزگی و متانت و حفظ آبرو و عفت خود احتیاج داریم تا عملاً نشان دهیم که زن باید دانشمند باشد تا شئون اجتماعی و شرف و عزت خود را حراست کند

اطفال - بازیچه نیستند که فقط ظاهر آنها را مثل عروسك به لباس های رنگارنگ و آرایش دهیم آنچه لازمست که مادر با دقت مهم ترین وظایف خود درباره اولاد قرار دهد پرورش روح و جسم کودک است و اینکه عادات خوب از قبیل پاکیزگی نظم و صداقت و جدیت به آنها آموخته لباس ساده و نظیف و مطابق حفظ الصحه باو پوشانند . کودک را نباید از مدرسه ترسانید و مواقع تغیر و تنبه او را بفرستادن به مدرسه تهدید نمود مادران دانشمند هنگام رضایت و خوشنودی از طفل او را برفتن مدرسه و تربیت و تعلیم مژده داده و خوشحال میکنند باید اطفال را با لباسهای کم قیمت ساده روانه مدرسه کرده نصیحت کنید که در خیال خود نمائی و تکبر اِشا گردان بی بضاعت نبوده و بارققای کوچک خود مهربان بوده و بانیکو ترین و جهی مساعدت کنند و بداند که حقیقت علم و اخلاق فقط خدمت بنوع و جامعه است اطفال را در مجالس متالم و سوگواری نبرده نشاط طبیعی آنان را تباه نسازید

طلاق - گسیخته شدن رشته ارتباط يك خانواده را گویند که شرع اسلام برای رهاى دونفر همسر نامناسب و ناسازگار لازم دانسته و این قانون در ممالکی که سابقاً معمول نبوده و با کمال زحمت میسر می گشت بالاخره سهل شده و رواج یافت ولی حتی الامکان از این بیش آمد ناگوار باید اجتناب کرده و هنگام ازدواج دقت و مراقبت نموده بی فکر و تامل اقدامی نکنیم که عاقبت منجر به لاق بشود . طلاق شباهت دارد بقطع يك عضو بدن که بواسطه سیاه زخم و یا سایر امراض فاسد شده و طیب برای اینکه مریض را از مرك نجات دهد بریدن

آنها را لازم دانسته ولی بی شبهه این عمل دردناک و ناگوار بوده انسان ناقص الاعضا کرده و هر کس میل دارد که خود را از این قبیل پیش آمده ها حفظ کند همچنین خانواده که بقطع رشته ازدواج مجبور شوند هماتقدر حس تألم و رنج در آنان تولید میگردد؛ تصور کنید حالت اطفال بدبختی را که گرفتار تفاق و ضدیت مادر و پدر شده بلکه آنان را واسطه لجاج و صدمه رسانیدن بیکدیگر قرار داده و از توجه مشفقانه و صمیمانه خود محروم داشته و فاسد الاخلاق و بیهوشیت بار آمده اند در صورتیکه باید در آغوش مهر و محبت آنان رشد و نمو و خوشبخت و با تربیت بشوند

ازدواج انقلاب بزرگ زندگانی و پایه سعادت یا نکبت زن و مرد محسوب میگردد و لازمست که از هر حیث با یکدیگر تناسب و توافق داشته تا سعادت مند بشوند هرگز نباید بهوسهای کودکانه بدون فکر و عاقبت اندیشی روزگار آتیه خود را سیاه کنند

سرگرمی و تفریح - انتخاب وسایل تفریح هر خانواده از وظایف مهم زن است زیرا مرد غالباً مشغول کار است برای تجدید قوا و رفع خستگی روحی و جسمی و گذراندن اوقات بیکاری محتاج باتخاذ بعضی اقسام تفریح و خوشی میباشد اگر زن خانواده این پیش بینی را در حیات خانوادگی منظور دارد هرگز شوهر و اولاد او تفریح بد و خطرناک پیش نگرفته باعمال مضر سرگرم نمیشوند. با مشاهده وضع اسف انگیز بعضی جوانان و انواع تفریحات نامناسب آنان گمان میکنم اینقسمت از اهم وظایف هر زنی محسوب شده و باید موجهات مسرت

ورضایت خانواده را طوری فراهم کند که مردان منازل خود را بهترین محافل انس و سرور دانسته تفریح و لذت واقعی را در مجمع خانوادگی مابین اولاد مهربان و با تربیت خویش قرار بدهند مادر اولاد خود را باید به تفریح ها سالم و پسندیده راهنمایی و تشویق کرده از کارهای زشت و معاشرت با رفقای بد محافظت کند. تشکیل مجالس مهمانی و اجتماعات خانوادگی باید کم خرج و بدون تعارف و تکلف بوده تولید زحمت و کسالت نکند: مهمانی های دانگی که فرزندی آنرا پیکنیک مینامند بهترین طرز ضیافت اجتماعی است بلند خواندن کتب و مجلات و سیاحت نامه هایی که دارای حکایات شیرین و اطلاعات شنیدنی باشد در مجمع خانوادگی خوش آیند و مفید است اما کتاب را باید با سلیقه و دقت انتخاب کرد افسانه هایی که عملیات زشت و خطرناک و دزدیها و خیانت های وحشت انگیز را شرح داده یا از موهومات تقلل میکند جوانان و اطفال را از حقیقت دور کرده افکار و سرمشق های بد و مضره آنها میدهد

چون تمام تفریحات خوب و بد را ممکن نیست کاملاً شرح و توضیح بدهیم لهذا طریقه شناختن و تمیز دادن آنها را بیان کرده تشخیص آنها را بخود شما واگذار میکنیم

هر گاه تفریح و خوشی سبب سلامت و قوت بدن شده خستگی و افسردگی را رفع کند و یا روح را طراوت و نشاط بخشیده فکر را توسعه دهد باید از آن استفاده نموده دوستان و نزدیکان خودتان را هم راهنمایی کنید که موقع فراغ خود را مشغول و مشغوف بدارند

(مانند گردش کردن در جاهای باصفا و خوش هوا و ورزش نمودن - خواندن کتب و تماشای سینماهای اخلاقی یا سینماهاییکه ضایع ملل متمدنه یا فصلی از تاریخ و امثال اینها را نشان میدهد)

از تفریحاتیکه لذت آنی داشته بشیمانی و ضرر در پی دارد و مزاج را از سلامت منحرف کرده روح را افسرده نموده ذوق کار و توانائی را نقصان میدهد بایستی اکیداً پرهیز نمود مثل الکل و قمار و تریاک و غیره الکل و تریاک خطرناک ترین تفریحات فردی و اجتماعی است روح با نشاط و با شهامت و طبیعت سلحشور و جسم پر زور را بلای خانمانسوز تریاک ضایع وضعیف کرده اعصاب را سست و چهره را زرد و امعاء و احشاء را خراب نموده سبب بی قیدی و بی حسی و کم همتی شده علاوه بر این عادت بان طور است که موقع استعمال آن مجبورند ترك وظیفه و شغل خود را بهر قیمتی که باشد بنمایند . الکل باعث جنون تدریجی و فساد نسل شده قلب و معدده را خراب میکند مستی جنون شدید است که انسان در آنحالات حرکاتی کرده و چیزهایی میگوید که اسباب صدمه و زحمت او شده بعد پشیمان میگردد . اثرات الکل و تریاک بقدری مسلم است که بیش از این محتاج شرح و بیان نیست دختران دانشمند تحصیل کرده سزاوار است با یکدیگر متحد و متعهد شده و برای نابود کردن این دوسم قاتل در نسل آتیه جدیت و کوشش کنند جنك با الکل و تریاک جنك با فساد نسل و پریشانی فقر خانواده ها بلکه با دشمنان انسانیت و ویران کنندگان وطن است ، هیچ پدری نمیتواند زن و فرزندان شیرخوار خود را باختیار خویش با کمال

بی اعتنائی در گرداب فقر و ذلت رها کرده و در فکر آسایش آنها نباشد مگر اینکه تریاک یا الکلی باشد زیرا که الفت و مهر خانواده گی در این قبیل اشخاص شدت نقصان یافته و بی قید می شوند. سخت گیری و قدغن حکومت یا مقالات مهیج جراید و هیچ قسم اقدام دیگری هرگز بقدر کلمات زن و مادر با عاطفه نفوذ و تأثیر نمیبخشو برای همین است که امروز زنان امریکا برای جلوگیری الکلی و دخانیات مجامع بزرگی تشکیل داده بذل مساعی و همت میکنند

میس کلارانش از زنهای نامی امریکاست که از سال ۱۸۸۲ تا سال ۱۹۰۸ مدت ۲۶ سال عمر خود را در مبارزه با الکلی صرف کرد و جمعیت های زنانه و مردانه تشکیل داده از توسعه صرف الکلی جلوگیری کرد چنانکه میدانیم بدبختانه در میان مالیرانیان نه تنها مردان قسمت مهمی از زنان مرگز و ولایات باستعمال الکلی این شهر بشرب افیون گرفتارند چقدر مناسب است که لااقل زنهای خیر خواه بوسایل عملی از قبیل تهیه حب ترك تریاک و توزیع دواء میان معتادین از پیشرفت این مرض کشنده جلوگیری کنند

قمار یکی دیگر از تفریحات خیلی مضر است ولی کسانی که به آن معتادند بعضی محسنات هم برای آن شمرده و میگویند که انسان را هوشیار و عاقبت اندیش و زیرک نموده و با مساعدت اقبال ثروت بیرنج از این راه بدست می آید اما این عقیده قابل قبول نیست و قمار در مقابل جزئی تمرینی که بهوش میدهد خسارت زیادی متوجه نموده و غالباً اقسام تقلب و نیرنگ را بشخص تعلیم میدهد *

قمار بازها ترك خواب و خوراك نموده در گوشه نشسته اقبال خود را به خال و نقش بازی بسته و بیشتر اوقات هستی خود را باخته و آسایش خانواده را فدای این تفریح و بازی می کنند اگر گاهی هم ببرند چیزیست که ابد با آنها گوارا نبوده زیرا فقر و فلاكت خانواده دیگری را فراهم ساخته اند قمار باز ممکن است که اول شب متمول و تاپایان شب فقیر و محتاج شده با حالت بد و اوقات تلخ بمنزل مراجعت کند ؛ اکنون انصاف بدهید که آیا سزاوار است قمار را وسیله خوشی و تفریح نام بگذاریم ؟

تصور نکنید که فقط در اوقات معینی بقمار خانه رفتن بد است و قمار بازی محسوب میشود مرد یا زنیکه بعنوان سر گرمی در منزل خود آلات قمار نهیه نموده چشم و گوش اطفال را به آن آشنا میکند نیز مقصر بوده موجبات ترویج قمار را فراهم کرده است سعدی فرماید :

« سه چیز کمش هم زیاد است : آتش ، مرض ، دشمنی . » آیا هیچ آتش و مرض و عداوتی بدتر از این یافت می شود که انسان هستی و آسایش و سعادت خود را بازیچه ازدست بدهد ؟ !
پروفسور مونرو معلم اخلاقی معاصر امریکا می گوید « من ه گنز با کسی شرط نمیبندم مبادا قمار باز محسوب شوم »

بازیهای اطفال خردسال مادر این قسمت را باید بیش از تفریح های دختران و پسران بزرگ مورد توجه و دقت قرار دهد زیرا که قابل تربیت بوده و هنوز هیچ کاری در نهاد وی بصورت عادت در نیامده

و سهولت میتوان او را راهنمایی کرد اما همینکه بزرگ شد تربیت کمتر مؤثر بوده و کمتر سود میدهد. اجتماع اطفال بدور هم و بازیهای آنها نمونه کاملی از عادات و حرکات پدر و مادر است طفل را باید بازیهای خوب آموخته و منتظر نشوند که بزرگ شده بعد آنها را آگاه و متنبه سازند بچه از کوچکی هر چه کند زمینه حرکات آتیه او است و نباید گذاشت به قاب بازی و گردو بازی و گفتن کلمات زشت و آزار حیوانات و تمسخر عجزه و بیران تفریح نموده و مشغول بشوند در تعطیل تابستان باید مادر مواظبت رفتار و اخلاق طفل خود بوده و در صورت امکان بجایهای خوش آب و هوا برده از معاشرت بارفقای بی تربیت و لگدرد منع نموده و وسائل مشغول داشتن آنها را بطور دیگر فراهم کنند فعلا که در مملکت ما بقدر لزوم کودکان کستان های عادی وجود ندارد مادرها باید خودشان بقدر امکان اشعار و قصه و بازیهای بچگانه باطفال میاموزد

هنرهای دشمن - از قبیل نقاشی و سوزن دوزی مثبت مبنا کاری و امثال اینها از تفریحات خوب و مفید است و خانمها میتوانند بعضی از اعات بیکاری را باین قسم کارها پرداخته اشیاء قشنگ و ظریف برای تهیه کنند بشرط اینکه بجای تمام وظایف خانه داری فقط وقت را به کارهای تجملی مصروف نداشته و از وقت زیاد فایده کم حاصل نکنند افراط در این قبیل کارها ناشی از غرور و خود پسندی و حب مدح و تمجید است بطوریکه بعضی از دختران برش و دوخت لباس ساده و ضروری خود را نمی دانند و میل به آموختن

آنها ندارند و هیچ کار منزل کمک و دخالت نمیکند ولی اطاق پذیرائی آنها از تالموها و رومیزیها و بسیاری از اشیاء تجملی معلوم است چون روح انسان طالب تزئینات و قشنگی است البته اطاق پذیرائی باید زینتهای مناسبی داشته باشد ولی بعد از اینکه خانه داران از وظائف و تکالیف خود فراغت حاصل نمودند میتوانند باین قبیل کارهای تفریحی بپردازند ولی ضمناً این راهم بدانند که سادگی بهترین آرایش است در خاتمه اینموضوع گفتار (ولتر) دانشمند فرانسوی را یاد آوری میکنیم که گفته است « کار پدر لذیذ است » واضح است که هرگاه روح یا جسم کسی از کار خسته و کسل شده محتاج استراحت خواهد بود و از این آسایش تجدید قوا حاصل شده علاوه تفریح و مسرت نیز فراهم میشود گسیکه زحمت کار را بر خود هموار نکند از لذت استراحت نیز بهره مند نمیشود و اشخاصیکه ذوق مفرط بکار و کوشش دارند بهترین ساعات خوشی خود را مواقعی میدهند که گرم کار بوده بر رفع حوائج و جلب منافع و نام نیک و افتخار میپردازند اگر محصلات مدارس چند ماه متوالی و مشغول انجام وظائف مدرسه نباشند هرگز از روزهای جمعه یا ماههای تعطیل لذت و مسرتی حاصل نکرده با سایر ایام برای آنها بی تفاوت است بیکاری تولید کسالت و دلنگی نموده وقت انسان بمصرف میگذرد در صورتیکه شما شاگردان مدرسه هر روز خود را در عوض معلومات مفیده و تجربیات

تقریبی صرف کرده ضمناً تفریح و لذتی هم حاصل میکنند

تهران « مطبعه دانش »

